



فقرزدایی مدرسه محور (۱)



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شماره مسلسل: ۲۰۸۲۵
کد موضوعی: ۲۳۰



مرکز پژوهش‌های
مجلس شورای اسلامی

تاریخ انتشار:
۱۴۰۴/۴/۲۲

عنوان گزارش:

فقرزدایی مدرسه محور (۱)

نوع گزارش:

طرح / لایحه راهبردی نظارتی پیش نویس قانونی

نام دفتر:

مطالعات بخش عمومی (گروه سیاست‌های حمایتی و مقابله با فقر)

مدیر مطالعه:

سیدهادی موسوی نیک

تهیه و تدوین:

زهره سروش فر

ناظر علمی:

سیدمحمدحسین فاطمی

اظهار نظر کننده داخل مرکز:

محمدصادق عبدالهی

همکار:

فاطمه سادات موسوی نیک

گرافیک و صفحه آرایی:

سمیرا صادقی عسکری

ویراستار ادبی:

سیده مرضیه موسوی راد

واژه‌های کلیدی:

۱. عدالت آموزشی
۲. فقرزدایی مدرسه محور
۳. حمایت اجتماعی

تاریخ شروع مطالعه:

مهر ۱۴۰۳



فهرست مطالب

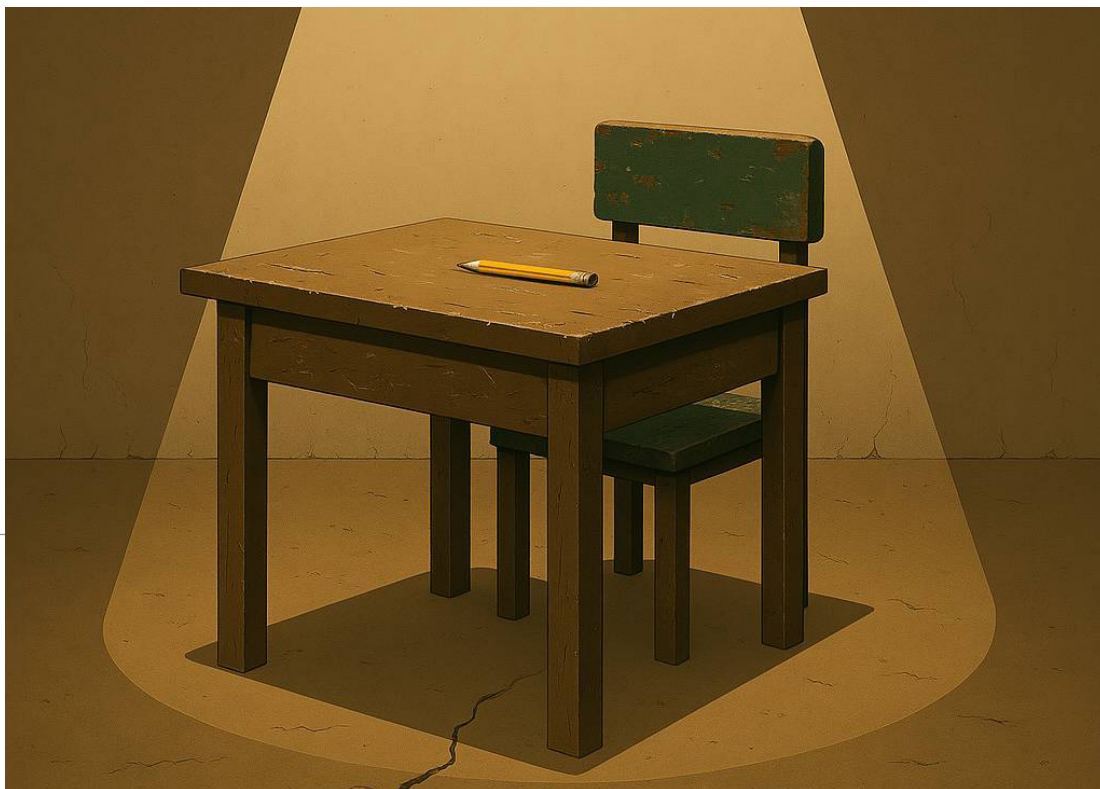
۶	چکیده
۷	خلاصه مدیریتی
۸	۱. مقدمه
۹	۲. رابطه آموزش کودک و فقر
۹	۲-۱. تأثیر آموزش کودکان بر فقر
۱۰	۲-۲. تأثیر فقر بر آموزش کودکان
۱۱	۲-۳. رابطه فقر و نابرابری آموزشی
۱۲	۳. چرا فقرزدایی مدرسه محور
۱۲	۳-۱. جایگاه کودک، آموزش و فقر در نظام‌های حمایت اجتماعی
۱۴	۴. انواع شیوه‌های فقرزدایی مدرسه محور
۱۵	۴-۱. برنامه‌های حمایت مشروط
۲۰	۴-۲. یک تجربه موفق: تبدیل مدارس با فقر بالا به مدارس با عملکرد بالا در کشور آمریکا
۲۲	۴-۳. نمونه پریثام
۲۳	۴-۴. نمونه هر سین
۲۵	۵. طرحی برای اجرای فقرزدایی مدرسه
۲۶	۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۲۸	منابع و مآخذ

فهرست شکل‌ها

۱۰	شکل ۱. نمودار رابطه نابرابری در آمد و عدم تحرک بین‌نسلی
۱۵	شکل ۲. نمودار تعداد برنامه‌های حمایت اجتماعی با هدف بهبود نتایج مدرسه از طریق منطقه و سال شروع برنامه
۱۶	شکل ۳. کشورهای دارای بارانه نقدی مشروط در سال‌های مختلف
۲۰	شکل ۴. تأثیر برنامه تغذیه مدرسه بر روی عوامل گوناگون
۲۵	شکل ۵. طرحی برای فقرزدایی مدرسه محور در ایران

فهرست جدول

۲۷	جدول ۱. پیشنهاد برای طرح فقرزدایی مدرسه محور
----	--



فقرزدایی مدرسه محور (۱)

چکیده



فقر کودکان از جمله مواردی است که باید مورد توجه خاص سیاستگذاران قرار گیرد. زیرا فقر در کودکی می‌تواند منجر به مشکلات فراوانی در بزرگسالی شود. فقر کودکان بازتولیدکننده فقر در بزرگسالی است و امکان تغییر طبقه را به فرد نمی‌دهد. آموزش، یکی از مؤثرترین شیوه‌ها برای شکستن چرخه فقر کودکان است و می‌تواند عامل جلوگیری از فقر آنها در بزرگسالی شود. برای ارائه خدمات آموزشی برابر به کودکان فقیر به‌ویژه کودکانی که در مناطق فقیر و محروم زندگی می‌کنند، نیاز است که به این افراد خدمات حمایتی ارائه شود. زیرا کودکان خانواده‌های فقیر بیش از دیگر کودکان در معرض ترک تحصیل و بازماندگی از تحصیل هستند. بدین ترتیب از خلال ارائه خدمات حمایتی می‌توان این کودکان و خانواده‌های آنها را ترغیب به حضور در مدرسه کرد، اما حضور در کلاس درس به تنهایی نمی‌تواند در کاهش میزان فقر تعیین‌کننده باشد. مسئله کیفیت آموزش در این میان یک عامل مهم و تأثیرگذار است که با موضوع عدالت آموزشی گره خورده است. نتایج این گزارش نشان می‌دهد که می‌توان از مدرسه به‌عنوان کانونی برای فقرزدایی استفاده کرد. از طریق مدرسه می‌توان به کودکان و خانواده‌های آنها دسترسی پیدا کرد و خدمات حمایتی موردنیاز را به آنها ارائه داد تا از یک سو جلوی بازماندگی از تحصیل کودکان گرفته شود و از سوی دیگر آموزش با کیفیت و دیگر خدمات حمایتی مانند مشاوره به آنها و خانواده‌هایشان ارائه شود تا از این طریق بتوان چرخه فقر این کودکان را شکست و جامعه را از فقیرتر شدن در آینده نجات داد.



بیان / شرح مسئله

یکی از راه‌های تغییر توزیع درآمد در هر جامعه‌ای توجه به آموزش است. به همین دلیل دولت‌ها برای رهایی از فقر در آینده، بهتر است که در حال حاضر روی آموزش کودکان سرمایه‌گذاری کنند. این در شرایطی است که در رابطه‌ای متقابل افراد فقیر امکان دسترسی کمتری به آموزش و به‌ویژه آموزش با کیفیت را دارند و به همین دلیل نمی‌توانند از فقر رها شوند و آموزش را به‌عنوان راهی برای نجات خود به کار گیرند. آموزش با کیفیت به کودکان مطمئن‌ترین و باثبات‌ترین روش برای رهایی آنها از فقر در بزرگسالی است. تضمین حضور کودکان خانواده‌های فقیر در کلاس درس و همچنین دسترسی به آموزش با کیفیت نیازمند ارائه خدمات حمایتی به این کودکان و خانواده‌های آنها و همچنین ایجاد فضای برابر و عدالت آموزشی است. مدرسه در این میان می‌تواند به‌عنوان کانونی برای فقرزدایی عمل کند. زیرا از طریق آن می‌توان به کودکان فقیر و خانواده‌هایشان دسترسی داشت و انواع خدمات حمایتی و آموزشی مورد نیاز را به آنها ارائه داد.

نقطه نظرات / یافته‌های کلیدی

سه شیوه فقرزدایی مدرسه محور عبارتند از:

- **برنامه‌های حمایت مشروط از خانوار کودک:** این برنامه‌ها معمولاً پول نقد به خانواده کودک پرداخت می‌کنند، در صورتی که آنها برخی شروط مانند حضور کودک در کلاس درس یا بررسی سلامت کودک به صورت منظم را انجام دهند.
- **تبدیل مدارس با فقر بالا به مدارس با عملکرد بالا از طریق ارتقا و بهبود کیفیت آموزش در مدرسه:** این برنامه به جای آنکه بر حضور صرف کودکان در مدرسه متمرکز باشد، بر بهبود کیفیت آموزش کودک و بهبود وضعیت کودکان فقیر و حتی خانواده‌هایشان در ابعاد گوناگون تأکید دارد. در این برنامه از روش‌های گوناگون برای بهبود وضعیت آموزشی کودکان فقیر و بهبود شرایط خانواده آنها استفاده می‌شود.
- **برنامه بالساخی:** در برنامه بالساخی در هر کلاس درس، بیست دانش‌آموزی که به بیشترین کمک‌درسی نیاز دارند، شناسایی می‌شوند و آنها را نزد بالساخی، زن جوانی از محله، می‌فرستند تا در درس‌هایی که ضعیف هستند، به آنها کمک کند. این روش در مؤسسه پریتام در هند انجام می‌شود.

پیشنهاد راهکارهای تقنینی، نظارتی یا سیاستی

با توجه به شرایط و امکانات ایران مجموعه‌ای متشکل از انواع روش‌های به کار گرفته شده در این زمینه پیشنهاد می‌شود. بهتر است از طریق پنجره واحد حمایت اجتماعی مدرسه محور (حامد) کودکان نیازمند شناسایی شوند. سپس به این کودکان حمایت‌های اجتماعی شامل حمایت‌های مشروط مطابق بند «ب» ماده (۹۰) قانون برنامه هفتم پیشرفت^۱ جهت تضمین حضور کودکان در مدرسه و کاهش کار کودک و تضمین رسیدگی به سلامت کودک با استفاده از مشروط‌سازی ارائه خدمات اجتماعی به ثبت کد ملی نوجوان لازم‌التعلیم در سامانه وزارت آموزش و پرورش و از سوی دیگر و همچنین ارائه بسته‌های تغذیه‌ای به خانواده انجام شود. علاوه بر آن در نظام آموزش پایه کشور نیاز به بازنگری در سرانه‌های مدارس و کمک به آنها برای ارتقای کیفیت آموزش و مدرسه در ابعاد مختلف (اعم از معلم، تجهیزات آموزشی و...) به منظور ارائه

۱. تهیه و تأمین کتب درسی و تغذیه رایگان، بسته‌های حمایتی (از قبیل نوشت‌افزار و کیف، کفش و پوشاک و هزینه‌های ایاب و ذهاب) و منابع آموزشی و کمک آموزشی برای دانش‌آموز یا اعطای کمک‌های حمایتی به خانواده وی از طریق واحدهای آموزشی.



آموزش با کیفیت و متناسب‌سازی برنامه‌های درسی با کودکان بازمانده یا تارک از تحصیل احساس می‌شود. همچنین می‌توان مدارس با فقر بالای ۷۰ درصد را از طریق پایگاه رفاه ایرانیان شناسایی کرد و کمک‌های تغذیه‌ای با بازنگری در پارانه‌ها و منابع مالی مربوط به ارائه تغذیه رایگان در مدرسه را ارائه داد تا از این طریق کودکان هم برچسب نخورد.

در کنار ارائه خدمات حمایت اجتماعی جهت بهبود وضعیت آموزشی کودکان می‌توان از شیوه‌های ساختاری پریشام با استفاده از کمک افراد محلی دارای سواد تا پایان دوران مدرسه یا بیش از آن و ارائه برخی خدمات و رسیدگی‌ها به کودکان در مدرسه مانند شیوه مدارس با فقر بالا و عملکرد بالا مانند ارتباط دائم با والدین کودکان در خصوص وضعیت تحصیلی آنها، استفاده از شیوه‌های جمعی و گروهی تدریس و انجام فعالیت توسط دانش‌آموزان، ارائه خدمات مشاوره و مددکاری اجتماعی به کودکان و خانواده‌هایشان و مواردی از این قبیل استفاده نمود.

۱. مقدمه

فقر، یکی از مهم‌ترین پیامدهای صنعتی شدن در جهان است. این پیامد هم در کشورهای مرکز دیده می‌شود و هم در کشورهای نیمه‌پیرامونی و پیرامونی که متأثر از روند صنعتی شدن در کشورهای مرکز هستند. با گذشت زمان، برخی کشورهای مرکز توانستند با اصلاح سیاست‌ها فقر را کاهش دهند، اما کشورهای پیرامونی مانند ایران، آسیب بیشتری از این ناحیه دیدند و هنوز هم موفق به ریشه‌کنی این مسئله نشده‌اند. طبق آخرین گزارش پایش فقر مرکز پژوهش‌های مجلس، روند خط فقر در سال‌های پایان دهه ۹۰ شیب بیشتری گرفته است و در حال حاضر حدود یک سوم جمعیت کشور زیر خط فقر قرار دارند. افزایش شکاف طبقاتی و محرومیت نسبی می‌تواند منجر به بروز نارضایتی‌ها و ناآرامی‌هایی در میان طبقه فرودست شود و از سوی دیگر، آسیب‌های اجتماعی فراوانی را به دنبال بیاورد. مطالعات نشان می‌دهند مقوله رفاه و تأمین اجتماعی به‌خصوص در کشورهای در حال توسعه همچون ایران، از وظایف اصلی دولت‌ها جهت نیل به رشد و توسعه محسوب می‌شود. اگرچه این امر از لحاظ مالی بار سنگینی بر دولت‌ها تحمیل می‌کند، ولی به دلیل تحقق پیشرفت و دسترسی به آرامش و تکامل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی باید این هزینه‌ها را تا حد ممکن در کنار سایر الزامات و نیازهای توسعه اقتصادی و اجتماعی مورد توجه قرار داد. در عین حال، محدودیت منابع موجود اقتضا می‌کند که منابع صرف‌شده در حوزه‌های گوناگون از جمله حوزه رفاه و تأمین اجتماعی به صورت بهینه تخصیص داده شده و هزینه شود. در غیر این صورت، به‌رغم صرف منابع مالی بسیار، نتایج قابل قبول و اثربخشی حاصل نخواهد شد.

از میان حوزه‌های مختلف مؤثر بر وضعیت فقر و نابرابری، مطالعات بسیاری بر نقش کلیدی آموزش و نظام آموزشی در کاهش فقر و به‌خصوص جلوگیری از بین‌نسلی شدن فقر تأکید می‌کنند. جدای از موضوع آموزش و کیفیت آموزشی، مدرسه به‌عنوان یک کانون اجتماعی نیز می‌تواند نقش پررنگی در برنامه‌های حمایت اجتماعی و فقرزدایی داشته باشد. با توجه به این دیدگاه، در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، مدرسه به‌عنوان مرکز کانون محله در نظر گرفته شده است و تحقق نقش محوری مدرسه هم‌زمان و در ارتباط با سایر نهادهای محله مانند مساجد و... به‌عنوان یکی از اهداف عملیاتی سند تحول (بند «۷») آمده است.

ایران دارای بیش از ۱۰۵ هزار مدرسه است و این گستردگی نهادی ظرفیت مهمی برای سیاستگذاری در هر

حوزه‌ای از جمله فقرزدایی است. به عبارت دیگر توجه به مدرسه به عنوان یک کانون فقرزدایی علاوه بر ارتقای کیفیت آموزشی و تبدیل مدارس با تمرکز فقر بالا به مدارس با کیفیت آموزشی بالا، می‌تواند در پیچه‌ای به موضوع فقرزدایی و توانمندسازی خانواده‌ها باشد. به خصوص آنکه اگر این توجه به خانوارهای فقیر و توانمندسازی آنها از دریچه کودک و مدرسه اتفاق بیفتد، می‌تواند از نظر فرهنگی و ارتقای جایگاه کودک و تحصیل در میان خانواده‌ها، تحولی اجتماعی و دارای آثار بلندمدت مثبت ایجاد کند. با این نگاه، این گزارش در پی آن است که ضمن بررسی نقش آموزش در مقابله با فقر، تجربیات جهانی در استفاده از ظرفیت مدرسه و آموزش در رفع فقر از جمله فقر کودکان را بررسی کرده و پس از بررسی ظرفیت‌های داخلی طرحی برای فقرزدایی مدرسه محور ارائه کند.

۲. رابطه آموزش کودک و فقر



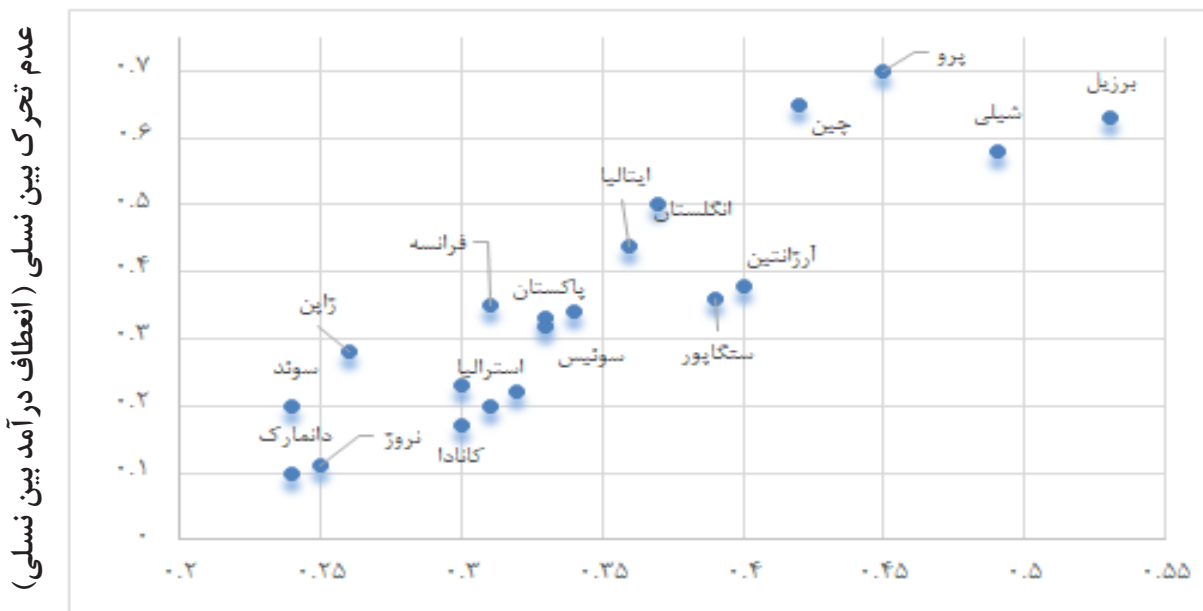
یکی از راه‌های تغییر توزیع درآمد در هر جامعه‌ای توجه به آموزش است. به همین دلیل دولت‌ها برای رهایی از فقر در آینده، بهتر است که در حال حاضر روی آموزش کودکان سرمایه‌گذاری کنند. آموزش مناسب می‌تواند رهایی‌بخش باشد. «از سوی دیگر در اقتصادهای مدرن معیشت افراد بر مهارت‌هایی پایه‌گذاری شده است که از طریق آموزش به دست می‌آیند. اهمیت چنین مهارت‌هایی روز به روز بیش از پیش افزایش می‌یابد» [۱]. این موضوع مشخص می‌کند که در دنیای مدرن اگر افراد آموزش مناسب دریافت نکنند در آینده از نظر شغل و درآمد دچار مشکل می‌شوند و ناگزیر با فقر مواجه خواهد شد. این در شرایطی است که در رابطه‌ای متقابل افراد فقیر امکان دسترسی کمتری به آموزش و به ویژه آموزش با کیفیت را دارند و به همین دلیل نمی‌توانند از فقر رها شوند و آموزش را به عنوان راهی برای نجات خود به کار گیرند. آموزش با کیفیت به کودکان مطمئن‌ترین و باثبات‌ترین روش برای رهایی آنها از فقر در بزرگسالی است.

۲-۱. تأثیر آموزش کودکان بر فقر

آموزش، اغلب به عنوان یک عامل برابری ساز بزرگ شناخته می‌شود. زیرا می‌تواند دری را به روی مشاغل، منابع و مهارت‌هایی باز کند که به فرد کمک می‌کند پیشرفت کند. در واقع، طبق گزارش یونسکو، اگر همه دانش‌آموزان در کشورهای کم‌درآمد فقط مهارت‌های اولیه خواندن را داشته باشند و نه هیچ چیز دیگری، حدود ۱۷۱ میلیون نفر می‌توانند از فقر شدید نجات پیدا کنند. اگر همه بزرگسالان تحصیلات متوسطه را تکمیل کنند، می‌توانیم نرخ فقر جهانی را به بیش از نصف کاهش دهیم.

در سرتاسر جهان، ۲۵۸ میلیون یا ۱۷ درصد از کودکان، نوجوانان و جوانان جهان تحصیل نمی‌کنند [۱۸]. این نسبت در کشورهای در حال توسعه بسیار بیشتر است: ۳۱ درصد در جنوب صحرای آفریقا و ۲۱ درصد در آسیای مرکزی، در مقابل ۳ درصد در اروپا و آمریکای شمالی. برای مثال، برای دانش‌آموزان ۱۵ ساله برزیلی ۷۵ سال طول می‌کشد تا به میانگین نمرات کشورهای ثروتمندتر در ریاضیات و بیش از ۲۶۰ سال طول می‌کشد به آنها با نرخ پیشرفت فعلی‌شان در خواندن برسند. در مقابل، در مکزیک، ۸۰ درصد از کودکان بومی در پایان دوره ابتدایی به سطوح پایه در خواندن و ریاضی دست نمی‌یابند و نمره بسیار کمتری از میانگین دانش‌آموزان دبستانی می‌گیرند.

شکل ۱. نمودار رابطه نابرابری در آمد و عدم تحرک بین نسلی [۱۵]



نابرابری (ضریب جینی)

۲-۲. تأثیر فقر بر آموزش کودکان

محدودیت‌های ناشی از بودجه خانواده مؤلفه مهمی است که بر آموزش و تحصیل کودکان تأثیر می‌گذارد. حتی در صورت وجود مدارس با کیفیت و معلمان باتجربه، نمی‌توان به آموزش کودکان فقیر امیدوار بود. زندگی در محیط و خانواده‌ای که با فقر دست‌وپنجه نرم می‌کند و فقدان توانایی خانواده برای تهیه کتاب و لوازم التحریر و هزینه رفت و آمد به مدرسه، می‌تواند چشم‌انداز تحصیل کودکان خانواده‌های فقیر را با ابهام مواجه کند. فقدان منابع به این معناست که کودکان فقیر باید برای دسترسی به امکاناتی که همسالان خود دارند، با چالش‌های زیادی روبه‌رو بشوند. همچنین آموزش‌های غیررسمی که کودکان خانواده‌های فقیر در خارج از مدرسه (محیط خانواده یا مکان‌های نامناسب) با آن مواجه می‌شوند نیز، ممکن است بر آموزش رسمی آنها تأثیرات منفی بگذارد.

فقر، تقاضا را برای آموزش و تحصیل کاهش می‌دهد و می‌توان این‌طور گفت که ارتباط میان آموزش و فقر، ارتباطی دوسویه است: «فقر» هم یکی از «دلایل» و هم یکی از «اثرات» فقدان آموزش است. برای نمونه در بنگلادش فقر خانواده‌ها (براساس گزارش سال ۲۰۰۹، معادل ۳۶ درصد جمعیت بنگلادش زیر خط فقر زندگی می‌کنند) دلیل عمده حضور کودکان در بازار کار و ترک تحصیل آنها محسوب می‌شود. در ایران، مطالعه موسوی نیک و موسوی (۱۴۰۱) نشان می‌دهد که حدود ۵۰ درصد از بازماندگی از تحصیل کودکان تعلیم‌پذیر در ایران به‌طور مستقیم و غیرمستقیم به وضعیت اقتصادی خانوار مرتبط است.

آموزش، به‌عنوان راهی به‌سوی برابری و کاهش میزان فقر قلمداد می‌شود، اما تجربیات کشورهای مختلف در سال‌های گذشته نشان داده است که عدالت آموزشی اگر صرفاً به کمیت حضور کودکان در مدرسه تکیه کند، نمی‌تواند عدالت واقعی را اجرا کند. عدم توجه به کیفیت آموزش در سال‌های پیش موجب شده است که نتایج حاصل از تلاش در جهت ایجاد عدالت آموزشی به اندازه کافی رضایت‌بخش نباشد و به‌میزانی که انتظار می‌رفت در کاهش فقر مؤثر نیفتد.

۳-۲. رابطه فقر و نابرابری آموزشی

دلایل گوناگونی به نابرابری آموزشی منجر می‌شود. نابرابری آموزشی از نابرابری در ارائه امکانات و خدمات، آموزش با کیفیت، رویکردهای تبعیض آمیز نسبت به دانش آموزان حاشیه‌ای (که به دلایل گوناگونی مانند فقر مالی، تبعیض قومیتی، مذهبی، نژادی یا عواملی مانند این حاشیه‌ای شده‌اند)، عدم ارائه آموزش‌های ویژه به دانش آموزان حاشیه‌ای و محروم، نگاه و توقعات اشتباه والدین، معلمان و کادر آموزشی نسبت به کودکان فقیر و حاشیه‌ای و دیگر عوامل مشابه منشأ می‌گیرد.

از سوی دیگر، عدم آموزش اولیه یا ضمن خدمت کافی به معلمان موجب می‌شود که آنها به عنوان یکی از ارکان اساسی آموزش دچار کاستی‌هایی شوند. این موضوع به ویژه در مناطق فقیرتر بیشتر مشاهده می‌شود که معلمان کمتر آموزش دیده‌اند و حمایت حین خدمت کمتری دریافت می‌کنند.

ارائه برنامه درسی یکسان برای همه می‌تواند برای برخی دانش آموزان که در مناطق روستایی زندگی می‌کنند یا دچار فقرند و یا اقلیت فرهنگی هستند، بیش از حد سنگین باشد و به همین علت باید در خصوص این دانش آموزان شرایط ویژه‌ای در نظر گرفته شود و میان آنها با دانش آموزان ساکن شهرها و از خانوارهای ثروتمند تفاوت ایجاد شود. در اینجا منظور این است که برنامه آموزشی هر محیطی مبتنی بر نیازها و توانمندی‌های موجود در آن محیط باشد.

دانش آموزان محروم ممکن است بعضاً با نگرش‌های توهین آمیز و غیردوستانه معلمان و همکلاسی‌های خود مواجه می‌شوند. چنین محیط‌های متخاصمی بر روی انگیزه و تمایل یادگیری این دانش آموزان تأثیر می‌گذارد و موجب می‌شود بسیاری از آنها زودتر ترک تحصیل کنند. هدف غایی نظام آموزش و پرورش این است که به همه اعضای جامعه آموزش با کیفیت ارائه دهد. در واقع همه قشرهای جامعه فارغ از سلامت، جنسیت، قومیت، نژاد، طبقه اقتصادی و اجتماعی و ... باید بتوانند از این امکان بهره‌مند شوند. بر این اساس فقر آموزشی فقدان حداقل‌های آموزشی برای بخشی از جامعه را مدنظر دارد و نابرابری آموزشی در مفهومی عام‌تر، همه شکاف‌ها در نوع و میزان بهره‌مندی از آموزش عمومی میان اقشار گوناگون را در برمی‌گیرد [۴].

عدم توجه به کیفیت آموزش به ویژه در دهه‌های اخیر، بیش از پیش تبدیل به مسئله محققان این حوزه شده است. در واقع دیگر برای مشخص کردن میزان برابری و نابرابری آموزشی صرفاً بر حضور یا عدم حضور کودکان در محیط تحصیلی تأکید نمی‌کنند و آن را به تنهایی پاسخ‌گوی جلوگیری از افتادن این کودکان در چرخه فقر نمی‌دانند.

پیکنی، بر این مسئله تأکید می‌کند که مطالعات متأخر در مورد بازده اقتصادی آموزش دیگر صرفاً بحث خود را بر سوادآموزی و ورود به نظام آموزشی که حداقلی‌ترین شاخص‌های برابری آموزشی است، متمرکز نمی‌کنند، بلکه از کیفیت و چگونگی آموزش و اینکه تا چه اندازه آموزش به کسب مهارت‌های جدید افراد کمک می‌کند، تأکید دارند. در رویکرد قابلیت‌محور به فقر هم به آموزش به مثابه ابزار قدرت‌یابی و توانمند شدن افراد و پیدا کردن امکان انتخاب نگاه می‌شود. سیاستگذار در حوزه آموزش باید رویکرد متفاوتی در خصوص برابری ارائه خدمات نسبت به حوزه‌های دیگری مانند بهداشت داشته باشد. زیرا فقر و نابرابری در حوزه‌های مانند بهداشت متفاوت از آموزش است. یعنی ممکن است نابرابری بین خدمات یک خانه بهداشت روستایی با یک بیمارستان خصوصی در شهر وجود داشته باشد، ولی این نابرابری منجر به عدم دسترسی به دیگر منافع اقتصادی و اجتماعی نمی‌شود، ولی حداقل‌های ارائه شده توسط یک مدرسه روستایی نسبت به یک مدرسه خصوصی در شهر به گسترش فقر و نابرابری می‌انجامد. زیرا فرد را از دست یافتن به راه‌های ارتقای اجتماعی و اقتصادی باز می‌دارد [۴].

به دلیل اهمیت یافتن موضوع کیفیت آموزش، آزمون‌های پرلز برای بررسی پیشرفت تحصیلی کودکان از سال ۲۰۰۱ هر پنج سال یکبار توسط مؤسسه بین‌المللی تیمز و پرلز در کشورهای مختلف انجام می‌شود. این آزمون از کودکان در سال چهارم ابتدایی انجام می‌شود و توانایی خواندن و درک مطلب آنها را مورد سنجش قرار می‌دهد. این آزمون در ایران نیز مدتی است که برگزار می‌شود و نتایج نگران‌کننده‌ای داشته است که در بخش‌های بعد به آن پرداخته می‌شود.



آنچه تا به اینجا ذکر شد مشخص می‌کند که کودکانی که با فقر دست‌وپنجه نرم می‌کنند، نیازمند توجه ویژه از سوی دولت و سیاست‌گذاری‌های عمومی هستند. این توجه ویژه که باید هم کمیت و هم کیفیت آموزش را مورد نظر قرار دهد، نیازمند آن است که تا جای ممکن سیاست‌های حمایت اجتماعی را با سیاست‌گذاری‌های آموزشی ویژه ترکیب کند تا امکان پیشبرد مطلوب این اهداف فراهم شود. البته اینکه سیاست‌های حمایتی در چه قالبی ارائه شوند (مانند حمایت‌های مشروط یا غیر مشروط به خانواده، ارائه خدمات بهداشتی و سلامتی به کودکان، ارائه خدمات تغذیه‌ای به کودکان و حتی به خانواده و ...) بستگی به سیاست‌های دولت و نیز شرایطی دارد که خانوارهایی که کودکان شان با فقر آموزشی درگیر هستند، در آن شرایط زیست می‌کنند.

تحلیل آکسفام با استفاده از داده‌های یونسکو نشان می‌دهد که هر کودک خانواده فقیر هفت برابر کمتر از کودک خانواده ثروتمند احتمال دارد دوره متوسطه خود را تمام کند. این در حالی است که صرفاً نابرابری در آمد عامل نابرابری نیست و این نابرابری با نابرابری‌های دیگر مانند جنسیت، قومیت، نژاد و ... ترکیب می‌شود. در نتیجه دختران خانواده‌های فقیر از نظر آموزشی وضعیتی بدتر از پسران این خانواده‌ها دارند و میزان ترک تحصیل آنها بیشتر است.

آکسفام در کتابی که تحت عنوان «قدرت آموزش در نبرد با نابرابری» منتشر کرده به اهمیت آموزش برابر و عادلانه برای همه کودکان پرداخته و اشاره کرده است که از طریق آموزش با کیفیت کودکان از فقر و بیماری‌های رها می‌شوند و می‌توانند به حقوق اولیه‌شان دست یابند. به همین دلیل توصیه کرده است که آموزش رایگان و همگانی از پیش دبستانی تا متوسطه به همه کودکان ارائه بشود و تضمین کند که ۱۲ سال ادامه می‌یابد. علاوه بر توصیه به آموزش رایگان، همگانی و عمومی موضوع سرمایه‌گذاری روی معلمان هم در این گزارش آمده است. مهم‌ترین عامل تضمین آموزش با کیفیت معلم توانمند و حرفه‌ای است.

۳. چرا فقر زدایی مدرسه محور



فقر زدایی مدرسه محور، شیوه‌ای از فقر زدایی است که در آن مدرسه به عنوان مکانی در نظر گرفته شده است که از طریق آن افراد فقیر شناسایی می‌شوند. از آنجاکه کودکان یکی از مهم‌ترین گروه‌های هدف فقر زدایی هستند و از سوی دیگر تعداد زیادی مدرسه در سراسر کشور وجود دارد و اغلب کودکان را می‌توان در مدارس یافت، بنابراین می‌توان از فقر زدایی مدرسه محور به عنوان شیوه‌ای برای کاهش فقر کودکان استفاده کرد. در این شیوه، هم فقر کودکان و هم مشکلات آموزشی آنان هدف قرار می‌گیرد. فقر کودکان از طریق روش‌هایی مانند حمایت‌های مشروط و همچنین ارائه کمک‌های تغذیه‌ای هدف قرار می‌گیرد و برای مشکلات آموزشی و ارتقای کیفیت آموزش آنها از روش‌های گوناگون استفاده می‌شود.

۳-۱. جایگاه کودک، آموزش و فقر در نظام‌های حمایت اجتماعی

پیامدهای فقر برای کودکان بسیار قابل توجه است. کودکان فقر را متفاوت از بزرگسالان تجربه می‌کنند. نیازهای خاص و متفاوتی دارند. در حالی که یک بزرگسال ممکن است به طور موقت به فقر بیفتد، کودکی که در فقر بیفتد ممکن است برای یک عمر فقیر بماند و این به آن دلیل است که یک کودک به ندرت در بزرگسالی مجدداً فرصت زندگی سالم یا تحصیل خواهد داشت. حتی وقتی یک کودک در یک دوره کوتاه مدت دچار فقر تغذیه می‌شود، رشدش در طولانی مدت دچار مشکلات جدی می‌شود. اگر کودکان تغذیه کافی دریافت نکنند، از نظر میزان و ظرفیت فکری از همسالان خود عقب می‌مانند، در برابر بیماری‌های تهدیدکننده زندگی آسیب پذیرتر هستند، عملکرد کمتری در مدرسه دارند و در نهایت احتمال کمتری دارد که در بزرگسالی فردی مولد باشد. فقر کودکان نه تنها آنها را در کودکی تهدید می‌کند، بلکه می‌تواند نسل به نسل منتقل شود و باعث شود نابرابری در جامعه ریشه دوانده و تشدید شود.

حمایت برای کودکان و خانواده‌ها، اعم از مشروط و غیر مشروط نوعی از حمایت اجتماعی هستند که در حال حاضر در دنیا بسیار رایج هستند و تجربه نشان داده است که می‌توانند بسیار مؤثر واقع شوند به‌ویژه در زمینه مسائلی مانند افزایش استفاده از خدمات بهداشتی و کمک به بهبود سلامت کودکان. همچنین این پرداخت‌ها به افزایش قابل توجه ثبات نام و حضور کودکان در مدرسه در نقاط مختلف جهان منجر شده است و حتی در برخی موارد به بهبود نتایج تحصیلی می‌انجامد. از این طریق، مزایای حمایت اجتماعی به افزایش رفاه حال و آینده کودکان و توانایی آنها برای استفاده از فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی در زندگی آینده کمک می‌کند. مزایای کودک و خانواده، مانند ارائه خدمات بهداشتی و درمانی به مادر و کودک یا مشاوره‌های روان‌شناختی یا برای مثال کمک در نگهداری از کودکان معلول، همراه با سایر اشکال مزایا و خدمات، ابزار مهمی برای پاسخ‌گویی به نیازهای ویژه کودکان دارای معلولیت، کودکان یتیم و آسیب‌پذیر، کودکان آسیب‌دیده از خشونت و آزار و سایر کودکان از اقشار محروم و حاشیه‌ای جوامع است.

توصیه‌نامه کف حمایت اجتماعی ILO، ۲۰۱۲ (شماره ۲۰۲)، به‌صراحت امنیت درآمدی برای کودکان را به‌عنوان یکی از تضمین‌های اساسی تأمین اجتماعی که یک کف حمایت اجتماعی ملی را تشکیل می‌دهد، به رسمیت می‌شناسد. این توصیه‌نامه می‌تواند یک چارچوب مؤثر برای سیاست‌های ملی فراهم کند [۷].

وقتی از امنیت درآمد برای کودکان حرف می‌زنیم، مسائلی مانند تغذیه و دسترسی به انواع خدمات نیز مدنظر است؛ در واقع طیف گسترده‌ای از منابع که برای تضمین یک استاندارد زندگی مناسب و زندگی با کرامت لازم است. خدمات اجتماعی (مانند مراقبت، آموزش، مراقبت‌های بهداشتی) در تضمین حمایت اجتماعی از کودکان ضروری است.

بدیهی است که دستیابی به امنیت درآمدی برای کودکان جدا از خانواده و بافت خانواده غیرممکن است. بنابراین امنیت درآمدی برای کودکان منعکس‌کننده امنیت درآمد والدین، پدر بزرگ و مادر بزرگ و/یا سایر مراقبان آنهاست. در نتیجه، دامنه سیاست‌ها و ابزارهای سیاستی موجود برای دستیابی به این هدف بسیار گسترده و فراتر از مزایای کودک و خانواده است؛ همچنین شامل سایر حمایت‌های اجتماعی می‌شود. در حالی که در برخی کشورها مزایای نقدی نقش عمده‌ای در بسته کلی مزایا و خدمات در دسترس خانواده‌ها ایفا می‌کند، در برخی دیگر، ارائه مزایای غیر نقدی (مانند وعده‌های غذایی مدرسه و سایر مداخلات تغذیه‌ای، مسکن ارزان قیمت) یا ارائه خدمات (مانند مراقبت از کودک) نقش غالب‌تری ایفا می‌کند. وقتی خدماتی مانند آموزش عمومی یا مراقبت از کودکان و خدمات بهداشتی رایگان و با کیفیت ارائه می‌شود، موجب می‌شود که خانواده‌ها بتوانند منابع خود را به امور دیگر اختصاص دهند [۷].

یکی از جنبه‌های مهم روندهای مشاهده شده در سراسر جهان، میزان توانایی کشورها برای تأمین همه ساکنان یا حداقل افراد نیازمند است که انتخاب میان این دو با میزان منابع و امکانات کشورها مرتبط است. در حالی که ارائه همگانی مزایای کودکان به‌ویژه در اروپا و آمریکای شمالی رایج است، در سایر نقاط جهان پوشش محدود به فرزندان افرادی است که در خانواده‌های فقیر زندگی می‌کنند. مسئله تأمین مالی در ارائه انواع خدمات و انتخاب میان آنها حرف اول را می‌زند. در برخی کشورها مزایا در طرح‌های مشارکتی تعریف می‌شود و مشارکت خود فرد یا کارفرمایان را می‌طلبد و در برخی کشورها طرح‌های غیر مشارکتی و مبتنی بر تأمین مالی کامل دولت یا استفاده از برنامه‌های جهانی در جریان است. یک مشکل طرح‌های مشارکتی این است که فقط افراد شاغل در اقتصاد رسمی را پوشش می‌دهد، در حالی که اغلب افراد فقیر در اقتصاد غیررسمی فعالند یا بیکار و از کار افتاده هستند و یا در خانواده‌هایی حضور دارند که کسی امکان کار کردن ندارد.

در هر کشوری، صرف‌نظر از سطح درآمد آن، اثربخشی اقدامات و مکانیسم‌های انتخاب شده به بهینه‌سازی منابع موجود برای به حداکثر رساندن نتایج، با در نظر گرفتن شرایط ملی بستگی دارد. با استناد به توصیه شماره ۲۰۲ سازمان بین‌المللی کار و تجربیات موفق کشورها در ایجاد، گسترش و حفظ مکانیسم‌های حمایت اجتماعی کافی، مؤثر و معنادار برای کودکان، می‌توان اصول زیر را استخراج کرد:

■ باید به دنبال حمایت همگانی با اولویت دادن به فقیرترین، آسیب‌پذیرترین و محروم‌ترین کودکان بود.

■ همه کودکان باید به مراقبت‌های بهداشتی دسترسی داشته باشند و از امنیت درآمد برخوردار باشند، حداقل در سطح پایه که دسترسی



به تغذیه را فراهم می‌کند.

- آموزش، مراقبت و سایر کالاها و خدمات ضروری.
 - کشورها باید با استفاده از مؤثرترین و کارآمدترین ترکیب از مزایا و طرح‌ها در سطح ملی به دنبال رفع شکاف‌های حمایتی از طریق مکانیسم‌های مناسب و هماهنگ مؤثر باشند.
 - اقدامات حمایت اجتماعی برای کودکان و خانواده‌ها باید اقدامات پیشگیرانه، ترویجی و فعال باشد، مزایا و خدمات اجتماعی را ترکیب کرده و با سایر سیاست‌هایی که آموزش، بهداشت، سواد، اشتغال رسمی و قابلیت اشتغال را افزایش می‌دهد، هماهنگ شود.
- آنچه در حال حاضر مورد نیاز است، سرمایه‌گذاری بیشتر در حمایت اجتماعی از کودکان، مکمل سرمایه‌گذاری در تغذیه، بهداشت، آموزش و سایر خدمات مرتبط با کودکان است. سرمایه‌گذاری روی کودکان، سرمایه‌گذاری بر روی آینده است، به‌ویژه با توجه به اینکه فقر دوران کودکی اثرات مادام‌العمر بر سطح تحصیلات، وضعیت سلامت و امکان اشتغال در زیست آینده دارد. تضمین امنیت درآمد برای کودکان و خانواده‌ها، نقش اساسی در شکستن چرخه معیوب فقر مزمین دارد.

۴. انواع شیوه‌های فقرزدایی مدرسه محور



برنامه‌های حمایت اجتماعی معمولاً در مرحله هدف‌گذاری نیازمند دو گام در طراحی هستند: ابتدا، برنامه باید شناسایی کند که چه کسانی ذی‌نفعان بالقوه برنامه هستند (کودکان فقیر، خانواده‌های در معرض خطر، کودکان یتیم، بومی و غیره). دوم، برنامه باید «روش هدف‌یابی درست» را برای دسترسی به گروهی از جمعیت یا خانواده‌هایی که واجد شرایط به‌عنوان ذی‌نفعان برنامه در نظر گرفته شوند، داشته باشد. بسیار مهم است که برنامه هدف‌گذاری درستی داشته باشد تا بخش قابل توجهی از کودکان از برنامه جانمانند. برای مثال باید مشخص باشد آیا این برنامه کودکان در معرض ترک تحصیل یا کودکانی که ترک تحصیل کرده‌اند را شامل می‌شود یا خیر.

مداخلات آموزشی را می‌توان در دو دسته عمده طبقه‌بندی کرد: مداخلات عرضه و تقاضا؛ مداخلات تقاضا بدین معنا که برنامه‌های حمایت اجتماعی بتوانند به طریقی میزان تقاضا برای ثبت‌نام و حضور در مدرسه را افزایش دهند. مداخلات سمت تقاضا شامل موارد زیر است:

- کاهش هزینه‌ها: حمایت‌های مشروط و غیرمشروط، یارانه هزینه‌های مدرسه، معافیت از شهریه/هزینه، یا کمک هزینه تحصیلی و کوپن.
- افزایش آمادگی: رشد اولیه دوران کودکی، مداخلات بهداشتی (مانند کرم‌زدایی یا ایمن‌سازی) و تغذیه (تغذیه در مدرسه، مصرف سهمیه غذایی در خانه).

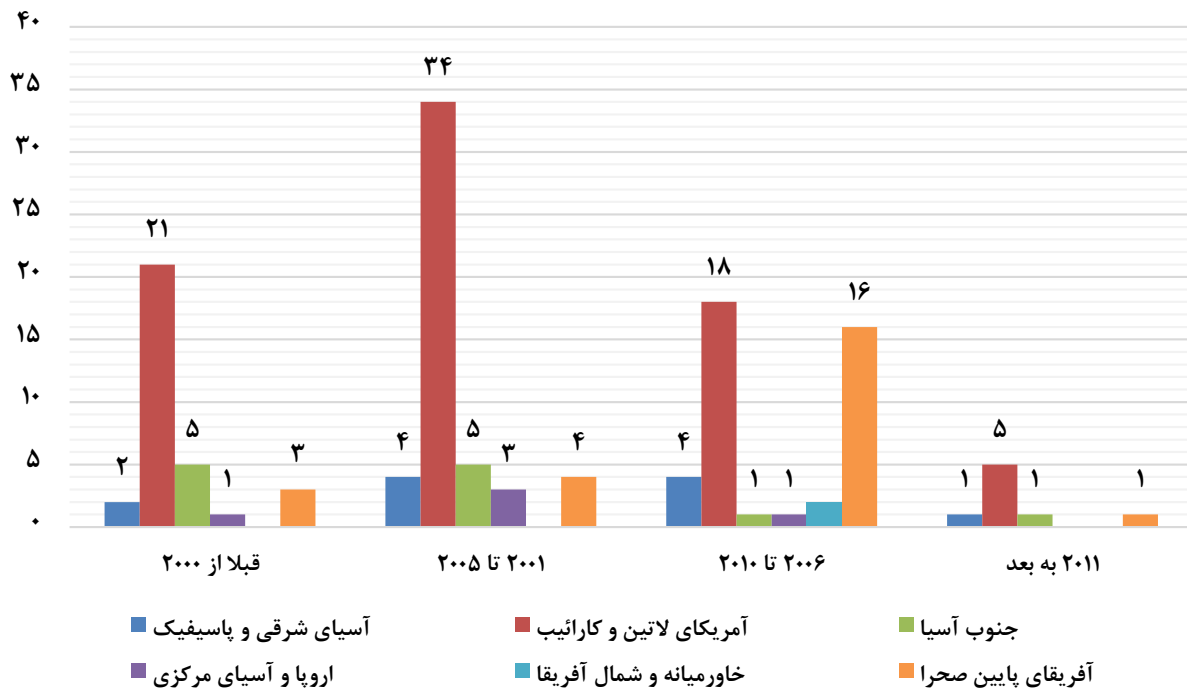
- ارتقای کیفیت آموزش: ارتقای کیفیت آموزش و مدرسه در ابعاد مختلف (اعم از معلم، تجهیزات آموزشی و...) به‌منظور ارائه آموزش با کیفیت و متناسب‌سازی برنامه‌های درسی با کودکان بازمانده یا تارک از تحصیل.

شواهدی از ارزیابی‌های تأثیر دقیق وجود دارد که نشان می‌دهد بسیاری از این مداخلات سمت تقاضا آثار مثبتی بر ثبت‌نام و حضور در مدرسه دارند. بررسی سیستماتیک تورهای ایمنی اجتماعی از سوی بانک جهانی نشان می‌دهد که بیشتر این برنامه‌ها (۲۲ از ۲۵ برنامه) تأثیر مثبتی بر ثبت‌نام و حضور دارند و به‌طور متوسط تأثیرات آن برای دبیرستان بیشتر از مدرسه ابتدایی است. آنها همچنین نشان می‌دهند که مؤثرترین مداخلات در بهبود ثبت‌نام و حضور در مدرسه، حمایت مشروط (CCT)، کمک‌های غذایی (هم برنامه‌های تغذیه مدرسه و هم برنامه‌های ارائه تغذیه‌ای برای داخل منزل به کودکان) و برنامه‌های معافیت از هزینه‌های آموزشی هستند [۱۹].

پس از سال ۲۰۰۰، رونق آشکاری در برنامه‌های حمایت اجتماعی با هدف‌گذاری روی آموزش ایجاد شده است. ۴۸ برنامه (۳۳ درصد از

برنامه‌ها با داده‌های موجود) بین سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۵، ۴۲ برنامه (۲۹ درصد) بین سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ و ۸ برنامه پس از سال ۲۰۱۰ شروع شده‌اند. این افزایش عمدتاً ناشی از برنامه‌های پرداخت نقدی مشروط است. این نوع پرداخت، نوع اصلی برنامه حمایت اجتماعی برای کودکان در سن مدرسه در کشورهای در حال توسعه است.

شکل ۲. نمودار تعداد برنامه‌های حمایت اجتماعی با هدف بهبود نتایج مدرسه از طریق منطقه و سال شروع برنامه [۱۶]



چنین برنامه‌هایی اغلب کودکان در سن مدرسه را که به دلایلی آسیب پذیر هستند، هدف قرار می‌دهند: زندگی در شرایط فقر شدید (مانند برنامه Keluarga Harapan اندونزی یا PATH در جامائیکا)، زندگی در مناطق دورافتاده یا روستایی (مانند برنامه ملی وعده‌های غذایی مدرسه در لائوس یا Comunidades Solidarias Rurales در السالوادور)، یا کودکان متعلق به یک کاست^۱ (ApniBetiApna Dhan در هند) یا گروه بومی (Familias en Acción در کلمبیا) یا کودکان یتیم (مانند برنامه‌های نقدی در کنیا و بورکینافاسو). کشورهای دیگر از معیارهای عمومی‌تر آسیب پذیری استفاده می‌کنند و خانواده‌ها یا کودکان «در معرض خطر اجتماعی» را از نظر خطر سوء تغذیه کودکان، بیکاری یا محدودیت‌های بازار کار بزرگسالان در خانواده مورد هدف قرار می‌دهند این برنامه‌ها از نظر سن کودکانی که مورد حمایت قرار می‌دهند با یکدیگر متفاوتند.

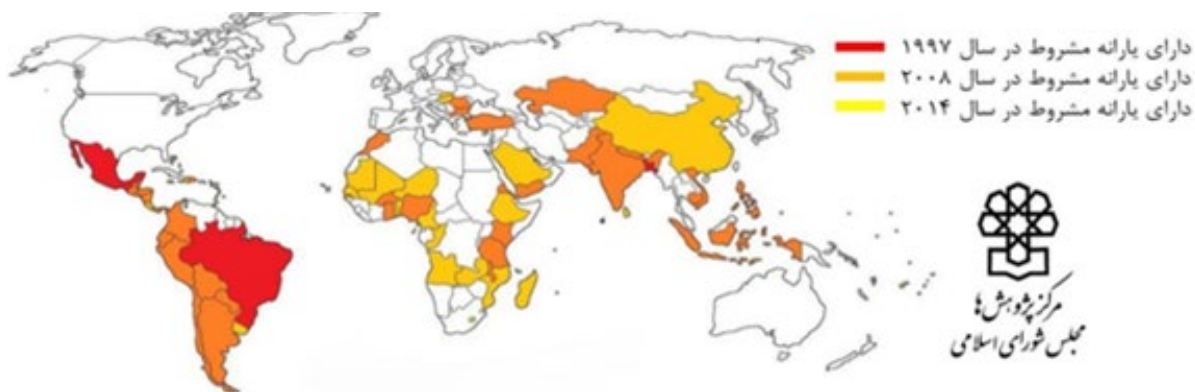
۴-۱. برنامه‌های حمایت مشروط

حمایت مشروط (CCT)، برنامه‌هایی هستند که معمولاً به خانوارهای فقیر وجه نقد پرداخت می‌کنند، مشروط بر انجام امور خاصی از سوی دریافت کنندگان؛ در این مورد، بدان معناست که خانوارها باید سرمایه‌گذاری‌های از پیش تعیین شده در سرمایه انسانی فرزندان خود انجام دهند. این گزارش نشان می‌دهد که شواهد خوبی وجود دارد که نشان می‌دهد CCT‌ها زندگی مردم فقیر را بهبود بخشیده‌اند. پرداخت‌ها

۱. کاست در هند به یک نوع طبقه‌بندی اجتماعی گفته می‌شود.

عموماً به خوبی برای خانوارهای فقیر هدف‌گذاری شده است، سطح مصرف را افزایش داده و فقر را به میزان قابل توجهی در برخی کشورها کاهش داده است. تعدیل‌های جبرانی که می‌توانست تأثیر پرداخت را کم‌رنگ کند، مانند کاهش مشارکت ذی‌نفعان در بازار کار، نسبتاً اندک بوده است. این گزارش همچنین منطبق مشروط کردن پرداخت به استفاده از خدمات بهداشتی و آموزشی خاص توسط ذی‌نفعان برنامه را در نظر می‌گیرد. بنابراین CCT ها احتمال اینکه خانواده‌ها فرزندان خود را برای معاینات بهداشتی پیشگیرانه ببرند افزایش داده است، اما این موضوع همیشه به وضعیت تغذیه بهتر کودک منجر نشده است. نرخ ثبت‌نام در مدارس به‌طور قابل ملاحظه‌ای در میان بهره‌برداران برنامه افزایش یافته است، اما شواهد کمی از بهبود در نتایج یادگیری وجود دارد. این یافته‌ها نشان می‌دهد که برای به حداکثر رساندن آثار بالقوه آنها بر انباشت سرمایه انسانی، CCT ها باید با برنامه‌های دیگر برای بهبود کیفیت عرضه خدمات بهداشتی و آموزشی ترکیب شده و سایر خدمات حمایتی را ارائه دهند.

شکل ۳. کشورهای دارای یارانه نقدی مشروط در سال‌های مختلف [۱۷]



در اینجا به چند مثال از کشورهایی می‌پردازیم که شیوه پرداخت نقدی مشروط را در اشکال گوناگون برای کمک به بهبود وضعیت آموزشی کودکان استفاده کرده‌اند.

۱-۴. کلمبیا

مانند سایر برنامه‌های پرداخت نقدی مشروط (Conditional Cash Transfer)، برنامه کلمبیا پرداخت پولی (یارانه تغذیه) را به خانواده‌های فقیر دارای فرزند، مشروط به معاینات بهداشتی برای کودکان زیر ۷ سال و پرداخت نقدی (یارانه تحصیلی) مشروط به ثبت‌نام در مدرسه و حضور ۸۰ درصدی ارائه می‌دهد. این برنامه، تأثیر مثبتی بر روی ثبت‌نام در مدارس به‌ویژه در میان نوجوانان داشته است (۶/۶ درصد در مناطق روستایی و ۴،۷ درصد در مناطق شهری).

تأثیرات بر ثبت‌نام برای مدارس ابتدایی کمتر بود (۲،۸ درصد در مناطق روستایی و ۱،۴ درصد در مناطق شهری). با این حال، با توجه به اینکه نرخ ثبت‌نام اولیه در کلمبیا نسبتاً بالاست (بین ۹۱٪ و ۹۶٪ در آن زمان)، این یک تأثیر قابل توجه است [۸].

این برنامه یا FAP همچنین تأثیر مثبت و بزرگی بر حضور در مدرسه، به‌ویژه در میان مدارس متوسطه داشت. این برنامه حضور نوجوانان روستایی را ۱۷،۵ درصد و نوجوانان مناطق شهری را ۷،۸ درصد افزایش داد. برای کودکان ۸-۱۱ ساله، FAP به ترتیب ۳،۴ و ۶،۱ درصد در مناطق شهری و روستایی افزایش را در این زمینه نشان داد. تأثیرات این برنامه برای دختران و ساکنان مناطق روستایی بیشتر بود. با این حال مانند دیگر برنامه‌های پرداخت نقدی مشروط این برنامه هم در کیفیت آموزش افزایش قابل توجهی نشان نمی‌دهد.

تکامل این برنامه هم از نظر طراحی برنامه (یارانه‌های تغذیه و آموزش و مقدار پرداخت) و هم از نظر جمعیت هدف را در سه فاز اصلی می‌توان دید: **مرحله اول** در سال ۲۰۰۱ آغاز شد و این برنامه برای خانواده‌های فقیر دارای فرزند ساکن در شهرهای کوچک (با کمتر از ۱۰۰۰۰ نفر)، که دارای بانک (به منظور پرداخت‌ها) بودند، انجام شد و زیرساخت‌های اولیه برای خانواده‌ها را برای برآوردن الزامات و جایی که مقامات محلی علاقه‌مند به مشارکت در برنامه بودند و اسناد مورد نیاز دولت ملی را ارسال کرده بودند، مورد هدف قرار داد. در این مرحله، میزان یارانه تحصیلی براساس اینکه کودک در مدرسه ابتدایی (تقریباً ۶ دلار آمریکا) یا دبیرستان (تقریباً ۱۲ دلار آمریکا) ثبت‌نام کرده بود، متفاوت بود. تغییر مهمی که در این مرحله از نظر هدف‌گذاری رخ داد، معرفی معیارهای طبقه‌بندی به منظور دربر گرفتن دو گروه آسیب‌پذیر از جمعیت خانواده‌های آواره از درگیری داخلی و خانواده‌هایی از جوامع بومی بود.

در سال ۲۰۰۷، دولت **مرحله دوم** گسترش FAP را به شهرهای کوچکی که در فاز ۱ تحت پوشش قرار نگرفته‌اند و نیز برای خانواده‌هایی که در شهرهای بایبیش از ۱۰۰,۰۰۰ نفر جمعیت و شهرهای بزرگ زندگی می‌کردند، آغاز کرد. تغییر مهم در طراحی برنامه در این مرحله حذف ارائه یارانه آموزش به خانواده‌های دارای فرزند در مقطع ابتدایی بود که در مناطق بزرگ شهری زندگی می‌کردند. این تصمیم در نتیجه ارزیابی تأثیر فاز ۱ اتخاذ شد که نشان‌دهنده تأثیرات مثبت FAP بر ثبت‌نام مدارس و حضور در مدارس متوسطه در مناطق شهری و روستایی، تأثیرات اندک در ثبت‌نام مدارس ابتدایی در مناطق روستایی و عدم تأثیر آن در مورد مدارس ابتدایی در مناطق شهری بود. با این حال، به‌عنوان جبرانی برای کودکان زیر این گروه سنی، مبلغ پولی یارانه تغذیه افزایش یافت. تغییر دیگر در طراحی برنامه در این مرحله، ارائه مبالغ مابه‌التفاوت پرداخت به مقطع متوسطه بود، به طوری که در دوران کودکی با پیشرفت از یک پایه به سطح بعدی، بتوانند مبلغ بیشتری دریافت کنند و انگیزه‌های بالاتری برای فارغ‌التحصیلی از دبیرستان داشته باشند.

آخرین مرحله (و نسخه فعلی برنامه) در سال ۲۰۱۲ شروع شد و مربوط به تنظیمات برای کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای است، اما ویژگی‌های طراحی که موفقیت‌آمیز بوده است را حفظ کرده است. نام برنامه به *Más Familias en Acción* («خانواده‌های پیشگام») تغییر یافت و این پیام را می‌دهد که برنامه باقی خواهد ماند و تقویت خواهد شد. این برنامه در حدود ۵ میلیون و سیصد هزار نفر از مردم این کشور را تحت پوشش قرار داده است که چیزی حدود ۱۰ درصد جمعیت کشور را در بر می‌گیرد.

یک تغییر مهم در این برنامه این است که خانواده‌هایی که در مناطق فقیرتر زندگی می‌کنند، مبالغ یارانه بیشتری دریافت می‌کنند. مهم‌تر و مرتبط به مدارس ابتدایی تغییر مهم دیگری رخ داد:

همه کودکان در سن مدرسه یارانه تحصیلی دریافت می‌کنند و میزان یارانه با نمرات افزایشی است. یارانه تحصیلی برای کودکان پنج‌ساله وجود دارد که در صورت ثبت‌نام در پیش‌دبستانی یارانه تحصیلی دریافت می‌کنند. این یارانه جدید بسیار به شرایط کلمبیا مرتبط است. زیرا حدود ۸ درصد کودکان در دو سال اول ابتدایی ترک تحصیل می‌کنند و عامل این امر نگذردن دوره پیش‌دبستانی است.

۲-۱-۴. برزیل

Bolsa Familia یا همان کمک‌هزینه خانواده یکی از بزرگ‌ترین برنامه‌های پرداخت نقدی مشروط در کشورهای در حال توسعه است. این برنامه در سال ۲۰۰۳ در کشور برزیل به اجرا درآمد و بسیار موفق بود. برای اجرای این برنامه ابتدای هر سال خط فقر اعلام می‌شود و هر خانواده‌ای که بتواند اثبات کند که زیر این خط فقر است. یعنی در فقر مطلق زندگی می‌کند، یا کسانی که در فقر نسبی هستند، از این کمک‌هزینه بهره‌مند می‌شود که حدوداً ۴۷ دلار در ماه است. این کمک‌هزینه به مادران خانواده پرداخت می‌شود، مگر اینکه مادر خانواده زنده نباشد. شرط دریافت این مبلغ این است که کودکان ۶ تا ۱۵ ساله هر خانواده باید ۸۵ درصد زمان را در مدرسه حاضر باشند. کودکان زیر هفت‌ساله باید واکسینه شوند و مادران و فرزندان باید به صورت منظم چکاپ پزشکی شوند. عدم اجرای تعهدات باعث تعلیق موقتی پرداخت کمک‌هزینه می‌شود و اگر ادامه پیدا کند، فرد از برنامه بیرون رانده می‌شود [۹].

به‌طور کلی، بولسا فامیلیا دارای ۳ جمعیت هدف اصلی است:



۱ خانواده‌های فقیر با فرزندان زیر ۶ سال و زنان باردار که به شرط انجام معاینات قبل از تولد و پس از زایمان و تکمیل واکسیناسیون، وجه نقد دریافت می‌کنند،

۲ خانواده‌های فقیر دارای فرزندان بین ۶ تا ۱۷ سال. سالمندان مشروط به ثبت‌نام و حضور کودکان و نوجوانان در مدرسه، پرداخت نقدی دریافت می‌کنند.

۳ خانواده‌های بسیار فقیر، صرف‌نظر از ترکیب خانوار.

توجه به این نکته ضروری است که نوجوانان ۱۶ و ۱۷ ساله تا سال ۲۰۰۸ به‌عنوان بخشی از گروه هدف قرار نگرفتند. اجرای این طرح در برزیل به کاهش قابل توجه جمعیت بسیار فقیر، سوء تغذیه کودکان، مرگ‌ومیر نوزادان و معیارهایی از این دست انجامید. این طرح بسیار موفق بود. زیرا از یک سو به فقرا کمک کرد و توانست مشکلات زیادی از آنها را حل کند به‌خصوص کسانی که درآمد ماهیانه‌شان در همین حد بود و از سوی دیگر ثروتمندان هم به دلیل پایین بودن مبلغ پرداختی با آن مشکلی نداشتند. زیرا آسیبی به آنها وارد نمی‌کرد. همچنین این اتفاق به ایجاد هزاران شغل کمک کرد. زیرا فقرا توان خرید پیدا کردند. بولسافامیلیا بزرگ‌ترین برنامه پرداخت نقدی مشروط در جهان است که با جمعیتی حدود ۱۱ میلیون خانوار و ۴۶ میلیون جمعیت در این کشور اجرا شده است. این میزان جمعیت در حدود ۲۲ درصد جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهد.

۳-۱-۴. اندونزی

مانند کلمبیا، اولین برنامه حمایت اجتماعی برای اندونزی برای کاهش آثار نامطلوب بحران اقتصادی و مالی در سال ۱۹۹۷/۱۹۹۸ راه‌اندازی شد. این برنامه تور ایمنی اجتماعی (JPS) نام داشت که شامل چندین برنامه یارانه آموزشی مانند برنامه‌های بورسیه (BKM/Bantuan Khusus Murid) برای دانش‌آموزان نه‌تنها در مدارس ابتدایی بلکه متوسطه و کمک‌های مالی برای مدارس بود. این برنامه SSN^۱ از حمایت‌های مالی قوی به‌ویژه از سوی آژانس‌های بین‌المللی کمک‌کننده مانند بانک جهانی و بانک توسعه آسیایی برخوردار بود. در سال ۲۰۰۵-۲۰۰۶، اندونزی برنامه پرداخت نقدی غیر مشروط را به‌عنوان غرامت به فقرا برای کاهش تأثیر بحران‌ها پذیرفت. پرداخت نقدی غیر مشروط مجدداً در سال ۲۰۰۸-۲۰۰۹ برای محافظت از خانوارهای آسیب‌پذیر در برابر افزایش بیشتر قیمت سوخت و تأثیرات بحران‌های مالی جهانی ارائه شد. معرفی برنامه خانواده امیدوار (برنامه کلوار گاهاراپان / PKH) در اندونزی در ابتدا عمدتاً توسط کمک‌های مالی انجام شد و به‌شدت توسط بانک جهانی حمایت شد. ایده داشتن نوعی برنامه پرداخت نقدی مشروط در اوایل سال ۲۰۰۵ به‌عنوان یک استراتژی جایگزین کاهش فقر برای جبران کاهش یارانه سوخت مطرح شد و از تجربیات برنامه‌های پرداخت نقدی مشروط در چندین کشور آمریکای لاتین درس گرفت. جالب است که PKH در واقع طراحی PROGRESA مکزیک و Bolsa Familia برزیل را با تغییرات جزئی اتخاذ کرد. این برنامه توانسته است تا سال ۲۰۲۰ حدود ۱۰ میلیون خانوار از ۷۰ میلیون خانوار این کشور را تحت پوشش قرار دهد که در حدود ۱۴٪ جمعیت این کشور است. تأثیر برنامه PKH بر آموزش تأثیری محدود و اندک بود و فقط توانست میزان ساعات حضور در مدرسه را اندکی افزایش دهد. این برنامه روی نرخ ترک تحصیل یا انتقال از ابتدایی به متوسطه که مسائل مهمی در حمایت اجتماعی آموزشی هستند، تأثیری ندارد. بانک جهانی عامل این امر را تأخیر در ارائه مزایای پرداختی و عدم هم‌زمانی آن با زمان پرداخت شهریه دانسته است.

۴-۱-۴. آفریقای جنوبی

کمک‌هزینه حمایت از کودکان آفریقای جنوبی (CSG) بزرگ‌ترین برنامه اجتماعی پرداخت پول نقد در این کشور است که به کودکان خانواده‌های فقیر کمک‌هزینه می‌دهد. این کمک‌هزینه در حال حاضر به ۱۳ میلیون از حدود ۲۲ میلیون کودک ساکن این کشور داده می‌شود که چیزی حدود ۵۹ درصد کودکان ساکن آفریقای جنوبی را در بر می‌گیرد.

این برنامه اولین بار در سال ۱۹۹۸ به دنبال توصیه کمیته لوند که سیستم‌های حمایت اجتماعی در آفریقای جنوبی را در آن زمان بررسی

1. social safety net

می‌کرد، معرفی شد. کمیته لوند پیشنهاد کرده است که این کمک‌هزینه جایگزین کمک‌هزینه نگهداری دولتی محدود (SMG) شود که به دلایلی برنامه ناموفقی بود. هدف اولیه برنامه CSG هدف قرار دادن و ارائه کمک برای کودکان در ۳۰ درصد فقیرترین خانوارها، به‌ویژه تأمین منبع درآمد برای مراقبین اولیه کودکان هدف برای سلامت و آموزش آنها بود.

در ابتدا، CSG به‌عنوان برنامه پرداخت وجه نقد مشروط در نظر گرفته شده بود که در آن متقاضیان واجد شرایط باید در یک برنامه خاص رشد کودک شرکت کنند و مدرک مبنی بر ایمن‌سازی فرزندان‌شان ارائه کنند. باین حال، اجرای این کار دشوار بود و متوقف شد. زیرا این شرایط در واقع موانعی را برای خانواده‌های فقیر به‌ویژه کسانی که در مناطق دورافتاده روستایی زندگی می‌کردند، ایجاد کرده است. در ابتدا، با توجه به اینکه نرخ ثبت‌نام مدارس در آفریقای جنوبی نسبتاً پایین بود، این کمک‌هزینه برای ثبت‌نام غیرمشروط مدارس بود، اما در توسعه آن، از ابتدای سال ۲۰۱۰، این کمک‌هزینه به‌طور رسمی مشروط به ثبت‌نام کودکان در مدرسه شد. البته در صورت عدم تحقق این شرط، جریمه‌ای اعمال نشد. محبوب‌ترین برنامه‌های حمایت اجتماعی با هدف حمایت از آموزش کودکان در دهه گذشته، برنامه‌های پرداخت نقدی مشروط هستند. در اکثر موارد، این خط‌مشی ثابت کرده است که نرخ ثبت‌نام و حضور و غیاب را بهبود می‌بخشد.

باین حال، دو چالش اصلی باقی می‌ماند:

اولاً، CCT ها همیشه به افرادی که بیشترین نیاز را دارند دسترسی ندارند و بنابراین باید تلاش‌های بیشتری برای افزایش پوشش و کاهش نشت انجام شود تا بودجه عمومی کاهش یابد.

ثانیاً، CCT ها ثابت نکرده‌اند که تأثیر قابل توجهی روی یادگیری و نتایج تحصیلی داشته باشند. بنابراین نوآوری در طراحی این برنامه‌ها مورد نیاز است تا آموزش با کیفیت به کودکانی که ثبت‌نام می‌کنند و به مدرسه می‌روند ارائه شود.

همان‌طور که دیدیم، هدف‌گذاری یک فرایند پیچیده است و هیچ دستورالعمل واحدی برای بهترین روش هدف‌گیری وجود ندارد، ولی با توجه به تجربیات، برخی از عناصر کلیدی یک سیستم هدف‌گیری که ممکن است به کاهش خطاهای حذف کمک کند، عبارتند از:

- ۱ داشتن سیستم‌های ارتباطی قوی (کمپین‌ها) به‌طوری که ذی‌نفعان بالقوه از برنامه‌ها اطلاع داشته باشند و ثبت‌نام کنند.
- ۲ دارای مکان‌های ثبت‌نام دائم، به‌طوری که خانواده‌ها (یا افراد) واجد شرایط بتوانند در هر زمانی فرصت دسترسی به برنامه را داشته باشند.
- ۳ مکان‌های ثبت‌نام در دسترس مردم باشد (از نظر مسافت و هزینه ایاب‌و‌ذهاب).
- ۴ باید در بررسی افراد براساس اسناد دقت شود. زیرا برخی افراد اسناد ضروری مانند شناسنامه را هم ندارند. در حالی که اتفاقاً جزو فقیرترین افراد هستند.

از طریق اجرای این موارد می‌توان عملکرد هدف‌گیری را بهبود داد، اما ممکن است از نظر منابع مالی و ظرفیت انسانی نیز پرهزینه باشد. همچنین نیازمند زمان برای یادگیری از نتایج پیاده‌سازی و اصلاح ابزارها برای به حداقل رساندن خطاهای هدف‌گیری است. کشورهای بسیار کم‌درآمد ممکن است تمام منابع مورد نیاز برای اجرای یک سیستم هدف‌گیری کارآمد در کوتاه‌مدت نداشته باشند و به همین دلیل ممکن است شروع از برنامه‌های حمایت اجتماعی با استفاده از مکانیسم‌های کم‌هزینه‌تر مانند هدف‌گیری جغرافیایی در کوتاه‌مدت و دستیابی به یک حداقل نرخ پوشش، مفید باشد.

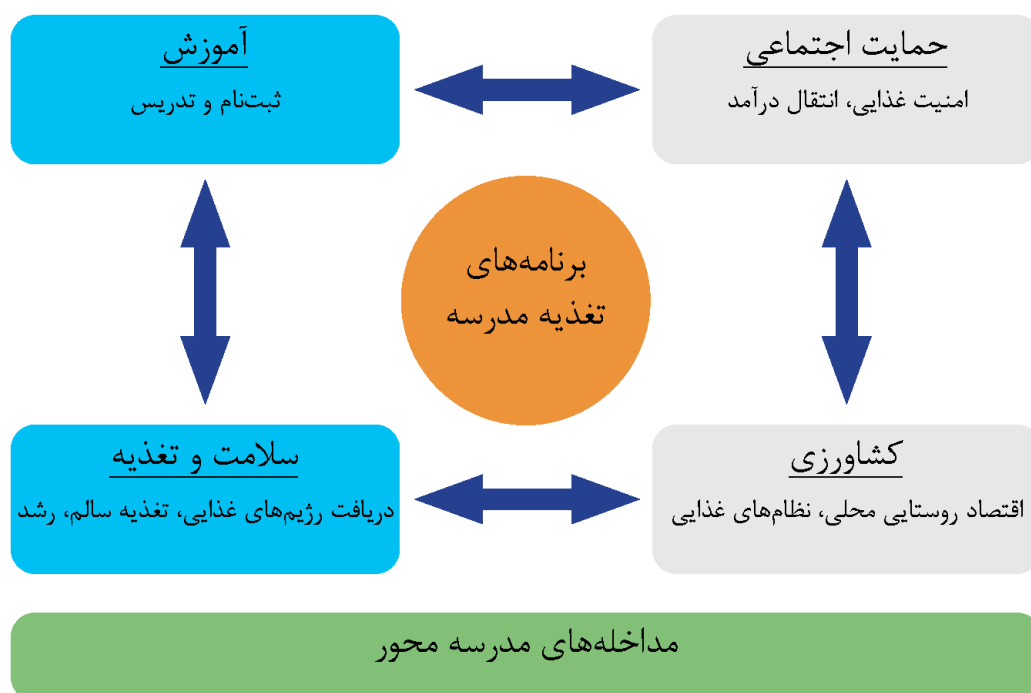


۲-۴. یک تجربه موفق: تبدیل مدارس با فقر بالا به مدارس با عملکرد بالا در کشور آمریکا

مدارس مکان و فرصتی منحصر به فرد هستند، با صدها میلیون کودک که هر روز در سرتاسر جهان در کلاس‌های درس شرکت می‌کنند. از طریق مدارس می‌توان به راحتی به کودکان فقیر جهت ارائه خدمات حمایتی دسترسی پیدا کرد و مدارس همچنین اجرای سیاست‌های حمایتی را آسان‌تر خواهند کرد. از جمله این موارد می‌توان به ارائه تغذیه مناسب، خدمات بهداشتی مانند بهداشت دهان، ایمن‌سازی، غربالگری سلامت بینایی و چشم اشاره کرد. این مثال‌ها نشان می‌دهد که آموزش نقش مهمی را در تقویت یادگیری ایفا می‌کند. همچنین می‌توان از طریق مدارس به القای عادات و رفتارهای سالم به صورت طولانی‌مدت پرداخت مانند بهداشت و شستن دست‌ها، پرهیز از مصرف دخانیات یا نوشیدن نوشیدنی‌های شیرین شده با قند [۱۳].

برنامه‌های مبتنی بر مدرسه، می‌تواند آسیب‌پذیرترین افراد را از برخی خطرات مانند خطرات مربوط به سلامتی و بهداشت و همچنین سوء تغذیه محافظت کند. مهم‌تر از همه، برنامه‌های تغذیه در مدرسه که روزانه صدها میلیون دانش‌آموز را درگیر می‌کند، به طور بالقوه مزایایی را در حداقل چهار بخش آموزش، بهداشت و تغذیه و مسائل اجتماعی در برمی‌گیرد [۱۰].

شکل ۴. تأثیر برنامه تغذیه مدرسه بر روی عوامل گوناگون [۱۳]



KIPP زنجیره‌ای از ۱۲۵ مدرسه در ایالات مختلف آمریکا است که تلاش کرده است نظامی را ایجاد کند که در آن مدارس با فقر بالا بتوانند عملکرد بالایی نیز داشته باشند و همین اتفاق براساس نمرات آزمون دانش‌آموزان کم‌درآمد این مدارس افتاده است. این مدارس بر مواردی همچون روز و سال طولانی‌تر تحصیلی، تکالیف بیشتر، آموزش عادات و هنجارهای طبقه متوسط تأکید دارند تا بتوانند دانش‌آموزان کم‌درآمد را برای زیستن در سطح طبقه متوسط آماده کنند. این مدارس در ابتدا از والدین خواهند خواست که تعهدی را امضا کنند که براساس آن هر شب تکالیف فرزند خود را بررسی کرده و با کودک خود کتاب بخوانند. نکته مهم در مورد این قرارداد این است که از این طریق می‌توان مشخص

کرد کدام کودکان والدینی دارند که توجهی به وضعیت درسی فرزند خود ندارند و این امر در برنامه‌ریزی‌های بعدی کمک‌کننده است. تفاوت دیگر این مدارس با مدارس دولتی با فقر بالا این است که در این مدارس از معلمان خواسته می‌شود همکاری ویژه‌ای از خود نشان دهند و ساعات طولانی از ۷ صبح تا ۵ عصر در مدرسه فعالیت کنند و بعد از آن هم که به خانه می‌روند با تماس تلفنی وضعیت دانش‌آموزان در انجام تکالیف را چک و برای روز بعد هم برنامه‌ریزی کنند. البته این میزان فشار باعث شده است که معلمان دائماً کار در این مدارس را ترک کنند و گردش معلمان بسیار زیاد باشد. در خصوص بودجه این مدارس باید گفت که بخشی از ثروتمندترین افراد کشور از این مدارس حمایت مالی می‌کنند، به طوری که این مدارس در سطح مدارس طبقه متوسط هستند و در سال برای هر دانش‌آموز در حدود ۱۸۰۰ دلار هزینه می‌کنند [۱۱]. در ایالت کنتاکی، هشت مدرسه با ویژگی فقر بالا و عملکرد بالا مورد بررسی قرار گرفتند. در مقایسه میان این مدارس با مدارس با عملکرد پایین و فقر بالا این تفاوت‌ها برجسته شد:

- آموزش هر دانش‌آموز بر مبنای نیازهایش به صورت فردی و همچنین ارزیابی او به صورت فردی است.
- مراقبت همه‌جانبه از دانش‌آموزان در کنار داشتن توقعات بالا از آنان در یادگیری و اجرا.
- توسعه و آموزش حرفه‌ای مستمر کارکنانی که با موضوع پیشرفت دانش‌آموزان در ارتباط بودند.
- استفاده کارآمد از منابع و زمان آموزشی.

ویژگی‌های مشترکی که بین این هشت مدرسه مشخص شد، عبارت بودند از:

- ۱ انتظارات بالا چه از معلمان و کارکنان مدرسه و چه از دانش‌آموزان. این باور وجود داشت که همه دانش‌آموزان می‌توانند از نظر تحصیلی موفق شوند و معلمان و کارکنان قادر به اجرای این مسئله هستند.
- ۲ جو مدرسه، ارتباط نزدیکی با این انتظارات بالا داشت. به این معنا که روابط محترمانه‌ای میان بزرگسالان و دانش‌آموزان و خود دانش‌آموزان با یکدیگر وجود داشت.
- ۳ هر هشت مدرسه تمرکز خود را روی آموزش و یادگیری دانش‌آموزان گذاشته بودند.
- ۴ مدارس با اینکه به عملکردشان در ارزیابی‌های دولتی توجه داشتند، ولی آنها خود دارای سیستمی جهت ارزیابی منظم پیشرفت دانش‌آموزان و برنامه‌ریزی برای تغییر جهت رفع نیاز دانش‌آموزان براساس نمرات آزمون بودند.
- ۵ سبک‌های رهبری متعددی در این مدارس وجود داشت، ولی همه آنها در این ویژگی مشرک بودند که رهبر مستبد یا دیکتاتور نداشتند و فرایند تصمیم‌گیری در مدرسه مشارکتی بود و معلمان و کارکنان در آن دخیل بودند.
- ۶ یک اخلاق و روحیه کاری قوی در این مدارس بین معلمان و کارکنان وجود داشت، به طوری که آنها دائم داده‌های مربوط به دانش‌آموزان را تجزیه و تحلیل و مداخله‌های لازم را برنامه‌ریزی انجام می‌دادند. به خانواده‌ها و دانش‌آموزان در یافتن وسایل حمل و نقل، پوشاک، مراقبت‌های بهداشتی و سایر خدمات کمک می‌کردند و بعد از مدرسه و آخر هفته‌ها برای ارائه کمک در زمینه تدریس خصوصی، بررسی نمونه کارها، آماده‌سازی ارزیابی، یا برنامه‌هایی با والدین کار می‌کردند. آنها این کار را با اشتیاق و فداکاری انجام دادند. هیچ گزارشی از اضافه‌بار یا فرسودگی معلمان وجود ندارد. بعضی مدارس برای والدین وسیله حمل و نقل فراهم می‌کردند تا آخر هفته یا عصرها برای رسیدگی به امور مدرسه و دانش‌آموزان در مدرسه حضور یابند [۱۲].

عناصر حمایتی از خانواده‌ها و دانش‌آموزان در این مدارس به این صورت بود که خانواده‌ها و مدارس با همدیگر کار می‌کردند. همه دانش‌آموزان به برنامه درسی دسترسی داشتند. شیوه‌های آموزشی‌ای برای کاهش موانع یادگیری وجود داشت. پشتیبانی اضافی فراتر از آموزش اولیه کلاس ارائه می‌شد و سیستم سوابق دانش‌آموزی به طور منظم و به موقع اطلاعات مورد نیاز را در اختیار قرار می‌داد. تجربه آمریکا نشان داده است که مدارس با عملکرد بالا و با فقر بالا، توجه قابل توجهی را به برنامه درسی معطوف می‌کنند و برای استفاده از ارزیابی‌ها و استراتژی‌های آموزشی که برای اطمینان از یادگیری برنامه درسی دانش‌آموزان طراحی شده‌اند، کار می‌کنند. علاوه بر این،



هم مدیران و هم معلمان در این مدارس مجدانه تلاش می‌کنند تا فرهنگ انتظارات بالا برای دانش‌آموزان و مربیان ایجاد کنند، محیط کار مشارکتی، محیطی دلسوز، تعهد به برابری و تنوع و این باور که یادگیری دانش‌آموزان برعهده مربیان است. هشت مدرسه ایالت کنتاکی بعد از مطالعه روی فرایند کاری‌شان این ویژگی‌های مشترک را بروز داده‌اند:

- **اخلاق مدرسه با انتظارات بالا برای معلمان، کارکنان و دانش‌آموزان.** شعار مدارس از دهه ۱۹۸۰ انتظارات بالا از معلمان و کارکنان و نیز دانش‌آموزان بوده است.
- **مراقبت، روابط محترمانه.**^۱
- **تمرکز تحصیلی - آموزشی قوی.**
- **سیستم‌هایی برای ارزیابی دانش‌آموزان به‌طور منظم.**
- **تصمیم‌گیری مشارکتی که توسط مدیران غیرمستبد رهبری می‌شود.**
- **اخلاق کاری قوی و روحیه بالای معلمان.**

۳-۴. نمونه پریثام^۲

پریثام، یک مؤسسه مردم‌نهاد است که در سال ۱۹۹۴ در هندوستان تأسیس شد. بزرگ‌ترین سازمان مردم‌نهادی است که در هند در زمینه آموزش به کودکان خدمات ارائه می‌دهد.

اولین برنامه مشارکتی این مؤسسه در سال ۱۹۹۹ آغاز شد و بالساخی نام داشت. «این برنامه در هر کلاس درس، بیست دانش‌آموزی که به بیشترین کمک‌درسی نیاز داشتند، شناسایی می‌کرد و آنها را نزد بالساخی، زن جوانی از محله، می‌فرستاد تا در درس‌هایی که ضعیف بودند، به آنها کمک کند» [۳]. هر روز ۲ ساعت اضافه بر دیگر کودکان به این کودکان آموزش داده می‌شد. بالساخی روی مهارت‌های خواندن و محاسبات ریاضی دانش‌آموزان کار می‌کند. «این شیوه‌نشان می‌دهد که تازمانی که کودک فقط روی یادگیری و انجام مهارت‌های اولیه تمرکز کند، می‌توان اطمینان داشت مهارت‌های اولیه را به خوبی یاد خواهد گرفت» [۳].

این زنان فقط دو هفته کارآموزی کردند تا برای اجرای این برنامه آماده شوند. آنها حداقل تحصیلات متوسطه را به پایان رسانده بودند و در ماه ۱۰ تا ۱۵ دلار دریافت می‌کردند.

نقاط قوت و ضعف بالساخی عبارت بود از:

نقاط قوت:

- تمرکز روی کودکان در سطح فعلی پیشرفت‌شان.
- استخدام فردی از جامعه محلی.
- مشوق خوب: قرارداد کوتاه.
- حجم کلاس کم.

نقاط ضعف:

- معلم کم‌سوادتر.
- آموزش اندک.
- این پرسش مطرح است که آیا ممکن است کودکان از آموزش با کیفیت‌تر به جای آموزش توسط معلم کمتر آموزش دیده محروم شوند؟ این برنامه نتایج قابل توجهی داشت. زیرا در سال دوم اجرای آن ۸ تا ۱۳ درصد کودکان حاشیه‌ای و فقیر در انجام اعمال محاسباتی ریاضی

۱. یکی از مادر بزرگ‌های دانش‌آموزان تعریف کرده بود که چطور مدرسه به او در مواجهه با یک رویداد مصیبت‌بار کمک کرده است.

ساده مانند جمع و تفریق و خواندن کلمات ساده موفق شدند. این در حالی بود که هزینه این برنامه برای هر کودک در سال فقط ۲,۲۵ دلار بود؛ در مقابل متوسط هزینه آموزش در هند که ۷۸ دلار در سال است. این نتیجه نشان می‌دهد راهبردهای طراحی شده برای ارائه مهارت‌های اساسی به کودکان حاشیه‌ای از نظر افزایش یادگیری با هزینه کم نتایج قابل توجهی داشته است.

برنامه بالساخی از سه روش روی دانش آموزان تأثیر می‌گذارد:

اول، آموزش در مورد مهارت‌های اساسی دانش آموزان و در سطح مناسبی تنظیم می‌شود.

دوم، به دلیل اینکه کلاس به دو بخش تقسیم می‌شود، نصف روز حجم کلاس نیمی از حجم اصلی خواهد بود.

سوم، این است که آن نیم دانش آموزان ضعیف‌تر در نیمی از روز خود با دانش آموزان قوی‌تر در ارتباط هستند.

برای بررسی نتایج، سه آزمون انجام می‌شود. یک پیش آزمون ابتدای سال، یک آزمون در میانه سال و یک آزمون در پایان سال. در این آزمون‌ها، مهارت‌های پایه‌ای ریاضی و خواندن ارزیابی می‌شود. بررسی‌ها نشان داد که دانش آموزانی که تحت برنامه بالساخی بودند میزان پیشرفت‌شان نسبت به دانش آموزانی که تحت تعلیم این برنامه نبودند، بیشتر بوده است. در نتیجه مشخص است که بالساخی بیش از کاهش حجم نمرات کلاس روی توانمندی دانش آموزان تأثیر گذاشته است.

برنامه بالساخی نسبت به برنامه‌های دیگری که در کشورهای در حال توسعه اجرا شده‌اند، برنامه مقرون به صرفه‌تری بود. این برنامه نسبت به دیگر برنامه‌ها در کشورهای دیگر نیز به صرفه‌تر است. در ایالات متحده برنامه‌ای تحت عنوان STAR اجرا شد که مبتنی بر کاهش حجم کلاس بود. این برنامه برای رسیدن به همان میزان موفقیت برنامه بالساخی ۲۴۰ برابر گران‌تر شد.

پژوهش‌ها نشان داده‌اند هر میزان هم که کیفیت عمومی آموزش بهبود می‌یابد، این موضوع تأثیر چندانی در رشد و پیشرفت دانش آموزان فقیر و حاشیه‌ای ندارد. به چنین دانش آموزانی باید در حوزه مهارت‌های پایه آموزش‌های فشرده داده شود تا بتوانند همگام با دانش آموزان عادی پیش بروند.

۴-۴. نمونه هر سین

در سال ۱۴۰۱ دفتر مطالعات رفاه اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی پروژه‌ای تحت عنوان «تجربه اجرای طرح حمایت نقدی مشروط از کودکان بازمانده از تحصیل و در معرض ترک تحصیل استان کرمانشاه (شهر هر سین)» را اجرا کرد. در این پروژه تلاش شد کودکان بازمانده از تحصیل در شهر هر سین شناسایی و به مدرسه بازگردانده شوند. به این منظور حمایت‌های نقدی و غیرنقدی مشروط برای این کودکان طراحی شد. در ابتدا بعد از بررسی اطلاعات اقتصادی-اجتماعی کودکان گروه هدف به دو دسته تقسیم شدند: ۱. کودکان بازمانده از تحصیل، ۲. کودکان در معرض ترک تحصیل. کودکان بازمانده از تحصیل کودکانی هستند که در مدرسه ثبت نام نشده‌اند و کودکان در معرض ترک تحصیل کودکانی که بیشترین اشتراک را از نظر وضعیت اقتصادی و اجتماعی و تحصیلی با کودکان بازمانده از تحصیل دارند، ولی هنوز در مدرسه حضور دارند.

بعد از بررسی کودکان در معرض ترک تحصیل شهرستان هر سین به چهار گروه کلی تقسیم شدند:

۱. کودکان در معرض ترک تحصیل نیازمند حمایت مالی و آموزشی،

۲. کودکان نیازمند حمایت مالی بدون نیاز آموزشی،

۳. کودکان نیازمند حمایت آموزشی،

۴. کودکان با نیازهای ویژه.

بعد از بررسی مشخص شد ۹۶ درصد کودکان این چهار گروه نیازمند حمایت مالی هستند و به همین دلیل برای جلوگیری از ترک تحصیل باید از آنها حمایت‌های لازم به عمل آید.



بررسی‌ها نشان داد در ایران، درصد زیادی از بازماندگی از تحصیل در مقطع ابتدایی است و استان‌هایی که به لحاظ درآمدی وضعیت بدتری دارند، بیشترین بازماندگی از تحصیل را دارند.

در شهر هرسین، ۸۲ درصد خانوارهای دارای کودک بازمانده از تحصیل در ۵ دهک درآمدی اول بودند. ۷۸ درصد فاقد بیمه و ۶۳ درصد فاقد درآمد ثابت بودند. این موارد نشان از انتخاب درست این شهرستان دارد. طرح حمایت مشروط از کودکان بازمانده از تحصیل و در معرض ترک تحصیل چهار مرحله اصلی داشت:

- ۱ اقدامات اولیه شامل برگزاری جلسات و انجام هماهنگی‌ها با نمایندگان دستگاه‌های همکار در طرح شامل ادارات آموزش و پرورش، کمیته امداد، بهزیستی، فنی و حرفه‌ای اداره کار استان و شهرستان، شبکه بهداشت و فرماندار شهر هرسین.
- ۲ شناسایی کودک بازمانده از تحصیل و در معرض ترک تحصیل.
- ۳ برقراری ارتباط با ذی‌نفعان طرح.
- ۴ انجام حمایت‌های متناسب.

بعد از انتخاب کودکان، با آنها تماس گرفته شد تا دلایل بازماندگی از تحصیل آنها مشخص شود تا بهتر بتوان به آنها کمک کرد. چهار دلیل اصلی بازماندگی از تحصیل شناسایی شد: مشکلات جسمی و روانی کودک، عوامل مربوط به محیط زندگی، عوامل اقتصادی و عوامل مربوط به آسیب‌های اجتماعی.

در مرحله بعدی با کودکان باید تماس گرفته می‌شد و مشوق‌ها و حمایت‌های طرح برای آنها توضیح داده می‌شد. از ۷۵۷ کودک بازمانده از تحصیل شهرستان هرسین با ۶۴۳ کودک تماس گرفته شد که از این میان ۲۳۵ تماس موفق بود. از این تعداد ۴۴ کودک بازمانده از تحصیل به مدرسه بازگشتند. اغلب این کودکان در مقطع ابتدایی بوده و هنوز فاصله زیادی از تحصیل نگرفته بودند. هر چقدر میزان فاصله گرفتن از تحصیل بیشتر باشد کودکان و خانواده‌هایشان تمایل کمتری به بازگشت به مدرسه نشان می‌دهند.

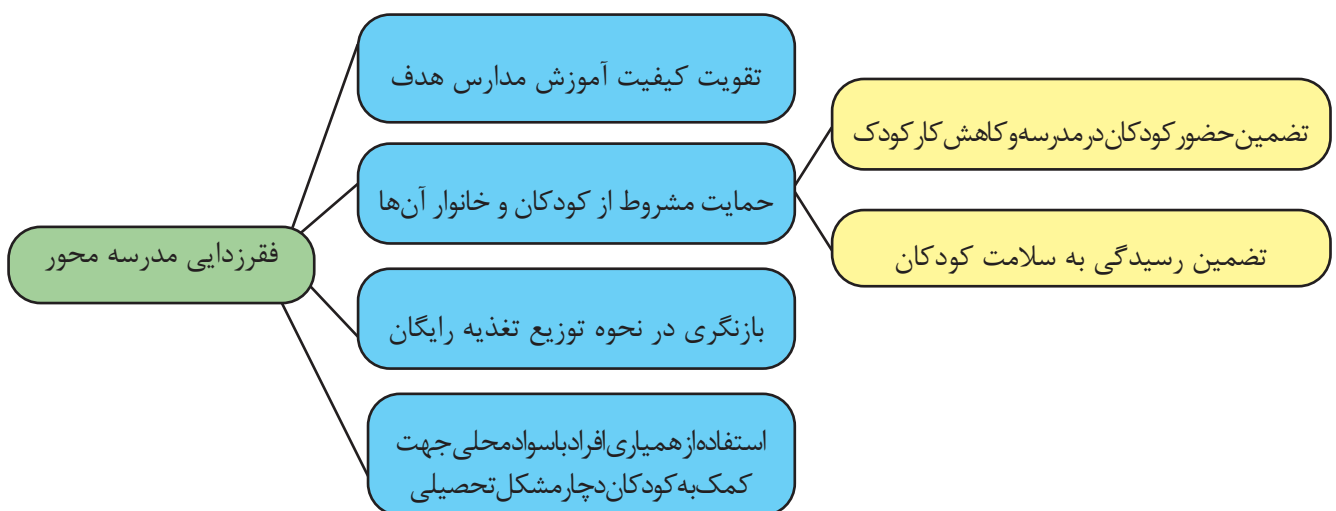
برای هر گروه از دانش‌آموزان متناسب با شرایط آنها حمایت‌های لازم صورت گرفت. حمایت‌های صورت گرفته در طرح در دو دسته کلی بودند: حمایت نقدی در قالب پرداخت وجه نقد و حمایت غیرنقدی مانند تشکیل کلاس، تهیه لوازم‌التحریر، تهیه کتاب، لوازم بهداشتی جهت شرکت در کلاس، نیازهای ضروری مانند سمعک، عینک و ... حمایت نقدی به دهک‌های یک تا ۵ درآمدی ارائه می‌شد و به دهک‌های بالای ۵ داده نمی‌شد. یکی از مهم‌ترین حمایت‌های صورت گرفته مشاوره به دانش‌آموزان بود. مشاوره‌ها به دو صورت انفرادی و گروهی صورت می‌گرفت. همچنین برای دانش‌آموزان در معرض ترک تحصیل کلاس‌های جبرانی در درس ریاضی، علوم و فارسی برگزار شد. نتایج نشان داد دانش‌آموزان پیشرفت زیادی داشتند. دانش‌آموزان در معرض ترک تحصیل مشارکت فعالی داشتند و نتایج درخشانی گرفتند. براساس محاسبات در آن زمان هزینه سرانه برای نگهداشتن کودک در معرض ترک تحصیل در مدرسه برای یک سال تحصیلی حدود ۳ میلیون تومان بود که نسبت به بازگرداندن کودکان بازمانده از تحصیل به صرفه بود. براساس برآورد این طرح بازگرداندن هر کودک بازمانده از تحصیل به مدرسه ۸ برابر نگهداشتن یک کودک در معرض ترک تحصیل در مدرسه هزینه دارد. بنابراین پیشگیری از ترک تحصیل کودکان باید به‌عنوان یک ضرورت مورد توجه قرار گیرد [۱۴].

۵. طرحی برای اجرای فقرزدایی مدرسه



فقرزدایی مدرسه محور به رفع فقر کودکان از خلال حضور آنها در مدرسه و ارائه آموزش با کیفیت به آنها و نیز حتی ارائه کمک‌هایی به خانواده آنهاست که بتواند در بهبود وضعیت فقر کودکان (از نظر آموزش، سلامت و تغذیه) مؤثر واقع شود. براساس آنچه که در این مطالعه آمده است و با توجه به شرایط و امکانات ایران مجموعه‌ای متشکل از انواع روش‌های به کار گرفته شده در این زمینه در کشورهای دیگر پیشنهاد می‌شود. این مجموعه از یک طرف شامل ارتقای کیفیت آموزش در مدرسه در ابعاد مختلف (اعم از معلم، تجهیزات آموزش و غیره) به منظور ارائه آموزش با کیفیت و متناسب‌سازی برنامه‌های درسی با کودکان بازمانده یا تارک از تحصیل است و از طرف دیگر به حمایت مشروط از دانش‌آموزان و خانواده‌ها مطابق **بند «ب» ماده (۹۰) قانون برنامه هفتم** و همچنین وابسته‌سازی ارائه خدمات اجتماعی به ثبت کد ملی نوجوانان لازم‌التعلیم در سامانه وزارت آموزش و پرورش به عنوان شیوه حمایت اجتماعی جهت تضمین حضور کودکان در مدرسه و کاهش کار کودک و تضمین رسیدگی به سلامت کودک می‌پردازد. علاوه بر این موارد، بازنگری در یارانه‌ها و منابع مالی مربوط به ارائه تغذیه رایگان در مدرسه به جهت بهبود اصابت یارانه به جامعه هدف دارای اهمیت است. همچنین استفاده شیوه بالاساخی پریتم با استفاده از کمک افراد محلی دارای سواد تا پایان دوران مدرسه یا بیش از آن و ارائه برخی خدمات و رسیدگی‌ها به کودکان در مدرسه مانند شیوه مدارس با فقر بالا و عملکرد بالا مانند ارتباط دائم با والدین کودکان در خصوص وضعیت تحصیلی آنها، استفاده از شیوه‌های جمعی و گروهی تدریس و انجام فعالیت توسط دانش‌آموزان، ارائه خدمات مشاوره و مددکاری اجتماعی به کودکان و خانواده‌هایشان و مواردی از این قبیل است.

شکل ۵. طرحی برای فقرزدایی مدرسه محور در ایران



مأخذ: یافته‌های پژوهش.



۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری



آنچه در این گزارش به آن پرداخته شد، اهمیت توجه به آموزش برای کودکان خانواده‌های فقیر و حاشیه‌ای است که می‌تواند این کودکان را در آینده از فقر برهاند و منجر به مبارزه‌ای موفق با فقر در هر جامعه شود. این موضوع اغلب در مباحث مربوط به حمایت اجتماعی مورد بحث قرار گرفته است که معمولاً شامل حمایت از کودکان و خانواده‌های آنها و در نهایت ارائه خدمات سلامتی، بهداشتی و تغذیه‌ای به آنها بوده است. این خدمات معمولاً در جهت حضور کودکان در مدرسه ارائه می‌شوند، اما امروزه این بحث مطرح است که ارائه این خدمات به تنهایی نمی‌تواند تضمینی برای رهایی کودکان از تله فقر در آینده باشد. زیرا صرف حضور در مدرسه کارساز نیست. آنچه باید در کنار ارائه خدمات حمایتی مورد توجه قرار گیرد، ارائه آموزش با کیفیت و یادگیری مهارت‌های ویژه است که می‌تواند در ایجاد فرصت‌های آینده برای این کودکان مفید واقع شود.

مسئله چگونگی جلوگیری از ضعف آموزشی کودکان فقیر و عللی که به این ضعف می‌انجامد، راه‌حل‌های گوناگونی را از سوی نظام‌ها و کشورهای مختلف دریافت کرده است. از جمله این راه‌حل‌ها در اولین مرحله ارائه حمایت مشروط از دانش‌آموزان و خانواده‌ها (حمایت‌ها مانند آنچه که در بند «ب» ماده (۹۰) قانون برنامه هفتم پیشرفت آمده است)^۱ و خدمات تغذیه‌ای و موارد مشابه بوده است تا کودکان حداقلی از توان و سلامتی را برای حضور و استفاده از فضای آموزشی داشته باشند. با توجه به امکانات موجود در ایران برای چنین سیاستی می‌توان ارائه خدمات اجتماعی به خانوار را مشروط به ثبت کد ملی نوجوانان در سن تحصیل در سامانه وزارت آموزش و پرورش کرد. پس از این مرحله، برای بالا بردن عملکرد دانش‌آموزان با نمونه فعالیت‌های مختلفی مواجهیم که یک نمونه آن که بیشتر در کشورهایمانند آمریکا و انگلستان اجرا شده است، «مدارس با فقر بالا و عملکرد بالا» است که از طریق ایجاد شیوه‌هایی خاص در آموزش کودکان فقیر، ارتباط با آنها، ایجاد فضای خاصی در مدرسه، ارتباط با والدین و... تلاش دارند تا مسائل آموزشی این کودکان را مرتفع کنند. این تلاش‌ها در راستای مواردی مانند ارتقای کیفیت آموزش در مدرسه از جمله بهبود کیفیت تدریس و تجهیزات مدرسه است. همچنین یک نمونه موفق دیگر مؤسسه مردم‌نهاد پریتام در کشور هند است که یک مؤسسه بسیار بزرگ است و تعداد قابل توجهی از دانش‌آموزان فقیر را در این کشور در برمی‌گیرد و تلاش دارد تا کیفیت آموزش آنها را بهبود بخشد. این مؤسسه، روش‌های گوناگونی را طی سال‌های گذشته به کار برده است که یکی از روش‌های بسیار مؤثر و کم‌هزینه آنها روش بالاساختی بوده که با کمک افراد محلی تلاش شده است کمبودهای آموزشی دانش‌آموزان فقیر و حاشیه‌ای برطرف شود. در نهایت باید به این موضوع پردازیم که برای انتخاب از میان روش‌های نمونه موجود یا انتخاب روش‌های جدید و یا روش‌های تلفیقی نیاز است که وضعیت فقر و ارتباطش با آموزش در ایران تعیین شود و فعالیت‌های صورت گرفته حمایتی و غیر حمایتی مورد سنجش قرار گیرد تا بتوان تعیین کرد تا چه اندازه روش‌های پیشین موفق بوده است و برای از بین بردن نقاط ضعف یا ایجاد شیوه‌های تازه چه باید کرد.

۱. تهیه و تأمین کتب درسی و تغذیه رایگان، بسته‌های حمایتی (از قبیل نوشت‌افزار و کیف، کفش و پوشاک و هزینه‌های ایاب‌وذهاب) و منابع آموزشی و کمک آموزشی برای دانش‌آموز یا اعطای کمک‌نهادهای حمایتی به خانواده وی از طریق واحدهای آموزشی.

جدول ۱. پیشنهاد برای طرح فقرزدایی مدرسه محور

ملاحظات	زمان بندی اجرا (کوتاه مدت، میان مدت، بلند مدت)	دستگاه متولی	الزامات و فواید اجرایی	توصیه سیاستی	نوع توصیه		ردیف
					اصلاح**	تداوم*	
تأمین مالی پایدار و تقویت نظام شناسایی نیازمندان با رویکرد نیازمندیابی فعال	کوتاه مدت	سازمان برنامه و بودجه و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و وزارت آموزش و پرورش		شناسایی کودکان نیازمند از طریق پنجره واحد حمایت اجتماعی مدرسه محور (حامد) و حمایت های مشروط مطابق بند «ب» ماده (۹۰) قانون برنامه هفتم پیشرفت	●		۱
سیاست تبدیل مدارس با تمرکز فقر بالا به مدارس با عملکرد بالا	کوتاه مدت	سازمان برنامه و بودجه و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و وزارت آموزش و پرورش		شناسایی مدارس با فقر بالای ۷۰ درصد از طریق پایگاه رفاه ایرانیان و کمک های تغذیه ای و حمایت و تقویت کیفیت آموزش این مدارس	●		۲
-	کوتاه مدت	سازمان برنامه و بودجه و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و وزارت آموزش و پرورش		بازنگری در نحوه توزیع تغذیه رایگان	●		۳

مأخذ: یافته های تحقیق

* تداوم یا تقویت آیتم ها با اقدامات.
** اصلاح رویه ها یا ایجاد سازوکارها.



[1] Blanden Jo, Matthias Doepke, Jan Stuhler (2023), Handbook of the Economics of Education: Chapter 6- Educational Inequality, ELSEVIER, 405-497.

[۲] مهربانی، وحید (۱۳۸۷)، تأثیر آموزش بر فقر و نابرابری درآمدها، فصلنامه تحقیقات اقتصادی، ش ۸۲.

[۳] بنرجی، آبهجیت و استر، دوفلو (۱۴۰۱). اقتصاد فقیر: بازاندیشی بنیادین در شیوه مبارزه با فقر جهانی، جعفر خیر خواهان و مهدی فیضی، انتشارات دنیای اقتصاد.

[۴] کریمیان، جلال و مقدسی، فاطمه (۱۳۹۹). «فقر و نابرابری در آموزش و پرورش»، معاونت رفاه اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی (دفتر مطالعات اجتماعی).

[۵] انصاری، مریم و رجبی، معصومه (۱۳۹۵). تحلیلی بر مؤلفه‌های عدالت آموزشی از نظر جان راولز، هفتمین همایش ملی انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران.

[۶] امیدی، رضا و مقدسی، فاطمه و فاطمی، میرهاشم (۱۳۹۸) در: <https://engare.net/inequality-in-education>

[7] Social Protection for Children: Key Policy Trends and Statistics (2015), ILO.

[8] Garcia-Jaramillo Sandra and Riyana Miranti (2015), Effectiveness of targeting in social protection programs aimed to children: lessons for a post-2015 agenda, UNESCO.

[۹] «بررسی سیاست‌های حمایتی (۳): یارانه مشروط»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (دفتر مطالعات بخش عمومی)، ۱۴۰۱.

[10] Verguet Stéphane , Pratibha Gautam, Iman Ali, Arif Husain, Stefan Meyer, Carmen Burbano, Edward Lloyd-Evans, Margherita Coco, Martin Mphane , Albert Saka, Meseret Zelalem, Boitshepo Bibi Giyose, Zihui Li, Agnes Erzse , Karen Hofman, Céline Giner, Sylvie Avallone, Heli Kuusipalo, Elizabeth Kristjansson, Linda Schultz, Donald A P Bundy, Noam Angrist (2024), Investing in School Systems: Conceptualising Returns on Investment across the Health, Education and Social Protection Sectors, BMJ Global Health.

[11] Kahlenberg Richard D. (2013), High-Flying High-Poverty Schools, American Educator.

[12] Kannapel Patricia J. and Stephen K. Clements (2005), Inside the Black Box of High Performing High Poverty Schools, A report of the Prichard Committee for Academic Excellence.

[۱۳] موسوی نیک، هادی و غریب‌نواز، زهرا. تبدیل مدارس با فقر بالا به مدارس با عملکرد بالا در ایران: تأکید هم‌زمان بر شناسایی مدارس با فقر بالا و با عملکرد ضعیف آموزشی (۱۴۰۰)، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی (دفتر مطالعات اجتماعی).

[۱۴] موسوی نیک، سید هادی و موسوی، سید روح‌اله. تجربه اجرای طرح حمایت نقدی مشروط از کودکان بازمانده از تحصیل و در معرض ترک تحصیل استان کرمانشاه (شهر هرسین) (۱۴۰۰)، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی (دفتر مطالعات اجتماعی).

[15] MILES CORAK (2016), The Poverty and Inequality Report, Economic mobility, head 51 The Stanford Center on Poverty and Inequality.

[16] Sandra García-Jaramillo and Riyana Miranti (2015) Effectiveness of targeting in social protection programs aimed to children: lessons for a post-2015 agenda.

[17] Lindert, P. H. (2021). Social spending and the welfare state. How Was Life, 2, 72-102.

[18] <https://www.un.org/en/un-chronicle/recognizing-and-overcoming-inequity-education>

[19] <https://www.worldbank.org/en/topic/safetynets>

گزیده سیاستی

سیاست فقرزدایی مدرسه‌محور شامل تقویت کیفیت آموزش مدارس با تمرکز فقر بالا، حمایت از خانوار کودک مشروط به حضور در مدرسه، بازنگری در نحوه توزیع تغذیه رایگان و استفاده از مشارکت‌های محلی می‌شود.



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، روبروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۸۲۰۰۰ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۸۵۵ پست الکترونیک: mrc@majles.ir

وبسایت: rc.majles.ir